

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۹۷

جمعه ۱۴ دی ۱۳۹۷، ۴ ژانویه ۲۰۱۹

یک سال پس از خیزش دی ماه ۹۶

یک سال از خیزش دی ماه مردم ایران در صد شهر گذشت. خیزشی که شعار "مرگ بر دیکتاتور" و "مرگ بر جمهوری اسلامی" و "اصلاح طلب اصولگرا دیگه تمومه ماجرا" را در سراسر کشور طنین انداز کرد و لوزه مرگ بر اندام حکومت اسلامی سرمایه داران انداخت. خیزشی که گوشه ای از خشم عمیق و چهل سال فشرده شده اکثریت مردمی که با از خود گذشتگی تمام به خیابان آمده بودند را علیه حکومت چپاولگران و جنایتکاران حاکم به نمایش گذاشت. و خیزشی که چشم انداز رهایی از این بختک حاکم را در برابر همه مردم گشود و امید به تغییر، امید به خلاصی و چشم انداز دست یابی به زندگی بهتر را در برابر کل جامعه قرار داد.

با خیزش دی ماه سال ۹۶ جامعه ایران وارد یک تحول سیاسی عمیق و یک فاز بالاتر جدال با جمهوری اسلامی و کل طبقه حاکم گردید و این تحول قابل برگشت و قابل بازپس گرفتن نیست. با خیزش دی ماه نه فقط مردم دنیا به نفرت گسترده و سراسری مردم ایران از جمهوری اسلامی و انزوای این حکومت بیش از پیش پی بردند، بلکه در خود ایران نیز مردم سرنگونی طلب به نیروی عظیم خود بیش از پیش واقف شدند. به چشم خویش دیدند که عزم سرنگونی و خلاص شدن از جمهوری اسلامی در گوشه زوایای جامعه موج میزند. به عبارت دیگر بعد از دی ماه مبارزه مردم با حاکمین گرچه از شکل خیزش توده ای عقب نشست، اما بهیچ وجه فروکش نکرد. مبارزات یک سال اخیر نشان میدهد که اعتراضات سیاسی تر و طبقاتی تر شده است و بخشهای مختلف کارگران و مردم در سراسر کشور، با خواستههای روشن تر و با توقعات پیشروتر و بالاتری به میدان آمده اند. همبستگی مبارزاتی میان بخشهای مختلف مردم به یک روال بسیار معمول تبدیل شده، زنان جایگاه بارزتری در اعتراضات پیدا کرده اند و خانواده ها دخالت موثرتری در مبارزات کارگری ایفا میکنند.

یک ساله اخیر بعد از خیزش دی ماه جامعه ای را نشان میدهد که عزم کرده است که نه فقط جمهوری اسلامی بلکه کل سیستم چپاول و اسلامی و مافیائی حاکم را که این حکومت به آن متکی است و از آن حفاظت میکند، از اساس و پایه کنار بزند و از جامعه جا رو کند. در این یک سال بیش از هر زمان تمام بروزات حاکمیت سرمایه از جانب مردم به مصاف گرفته شده است. مبارزه علیه مافیای اقتصادی، حقوقهای نجومی، فساد و اختلاس بالایی ها، تبعیضات طبقاتی، فقر و گرانی، خفقان سیاسی، تبعیض علیه زنان، حجاب اجباری، جداسازی زن و مرد، زنان و اعدام، و برای آزادی، رفاه، منزلت، برابری و عدالت اجتماعی هرروز در جامعه جریان یافته است.

مبارزات کارگران، معلمان، دانشجویان، زنان، بازنشستگان، پرستاران، مالباختگان و بخشهای معترض مردم آشکارا خصلتی طبقاتی و ضد سرمایه داری و برابری طلبانه بخود گرفته و این جهت گیری ها با خواستههای مشخص تر و روشن تری بیان میشود. جامعه ایران دارد عمیقاً مشخّم میخورد و جلو می آید. طبقه کارگر به امید اصلی کل مردم تبدیل شده است. رهبران کارگری به چهره های محبوب اجتماعی و سراسری تبدیل میشوند. گفتمان شورا و اعتصاب و تشکل به جلو صحنه آمده است. توم به طرحها و سناریوهای ارتجاعی و توطئه گرانه و راست و از بالای سر مردم در سطح جامعه بشدت رنگ باخته است.

از نظر ابعاد و کمیت مبارزات نیز یک سال

صفحه ۶

اولین سالگرد خیزش دیماه ۹۶

این متن بر اساس گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه تنظیم شده است

صفحه ۲

جایگاه شوراها و گفتمان اداره شورائی

سخنرانی حمید نقوائی در معرفی قرار "شوراها در شرایط انقلابی" در پلنوم ۴۹ حزب

صفحه ۳

کارگران در هفته ای که گذشت

مضحکه انتخابات شورای اسلامی در هفت تپه

شهلا دانشفر

صفحه ۵

کار حکومت شما تمام است، اینرا مطمئن باشید!

مینا احدی سخنگوی حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۱۴

پرش از علی جوادی:

خروج آمریکا از سوریه، دلایل و پی آمدها

صفحه ۷

به یاد جانباختگان اعتراضات دیماه سال ۹۶

شما تپش انقلاب مردم ایران برای رهایی هستید

حسن صالحی

صفحه ۸

فروپاشی نظام از درون، از زبان نزدیکترین خودی ها!

آرش دشتی

صفحه ۸

اطلاعیه ها، حزب کمونیست کارگری:

اعتراضات کارگران بخاطر تعویق پرداخت دستمزدها، تجمع دو هزار نفر از کشاورزان در اصفهان، اخباری از اعتراضات گسترده کارگری، پنجمین روز تجمع خانواده های کارگران فولاد اهواز برای آزادی کارگران بازداشتی، اعتراضات کشاورزان ورزنده و خراسگان اصفهان ادامه دارد، فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری و اعتراضات معلمان، کارگران فولاد اهواز خواستار آزادی بدون قید و شرط همکاران بازداشتی خود هستند، تقای حکومت برای ایجاد شورای اسلامی در نیشکر هفت تپه به جایی نخواهد رسید. زنده باد شوراها واقعی کارگری!، در محکومیت دسیسه های تروریستی علیه نیروهای اپوزیسیون

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری:

علیه دستگیری ها در شهرهای کردستان مقابله کنیم

اطلاعیه شماره ۲ کمیته آذربایجان حزب:

تعرض به معیشت کارگران کشت و صنعت مغان به نام خصوصی سازی! کارگران باید در مقابل هر گونه تعرض به معیشتشان اعتراض کنند!

سازمان جوانان کمونیست:

دانشجویان و مردم در اعتراض به کشته شدن دانشجویان در فاجعه واژگونی اتوبوس فرسوده دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات و با خواست استعفا و محاکمه مسئولین از جمله ولایتی دست به تجمع زدند، استعفا و محاکمه مسئولین دانشگاه آزاد خواست فوری دانشجویان و خانواده ها در فاجعه واژگونی اتوبوس فرسوده دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

اولین سالگرد خیزش دیماه ۹۶

این متن بر اساس گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه تنظیم شده است



اجباری عقب رانده شده، اختلاسها و چپاولش به مصاف گرفته شده، سرکوش، خفقانش عقب رانده شده، سنتهای اسلامیش همه و همه به شدت عقب رانده شده است. شما اگر به این جامعه نگاه کنید، کسی که نگاه کند این را متوجه میشود. همین اعتراضات نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز، هپکو، پتروشیمی ها کارگران راهپیمایی میکنند و سرود انقلاب میخوانند که "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی"، سخنرانی میکنند سرتاپای حکومت را مورد نقد قرار میدهند. نپرداختن دستمزدها به موضوع اعتراض به کل حکومت، و حمله به سرمایه داری، مفتخوران، و اختلاسگران تبدیل میشود. میخوام بگویم که جمهوری اسلامی يك حکومت كاملا منزوی در جامعه است و فقط به نیروی سرکوش متکی است. این یعنی همان که فائزه رفسنجانی از وحشت کرده. این نیروی سرکوب هم، مطمئن باشید که با يك خیزش دیگر مردم، شیرازه اش از هم گسیخته خواهد شد. یعنی این حکومتی است که اگر ده سال و پنج سال پیش ممکن بود کسی توهم داشته باشد که اگر خامنه ای را مردم به زیر بکشند خاتمی می آید، الان روشن است که با سرنگونی خامنه ای و جمهوری اسلامی نه اسلامش میماند، نه خاتمیش میماند، نه روحانیش میماند، یعنی هیچ چیز ازش باقی نمیماند.

جریانانات سلطنت طلب و امثالهم امیدشان این بود که اگر رژیم سرنگون شود ارتش را نگه میداریم. پاسداران را برای نظام بعدی حفظ میکنیم. این روزها سالروز جنگ ایران و عراق بحث بود رضا پهلوی از "سلحشوران وطن" که نیروهای صدام را عقب زدند سخن میگویند! از اینها هم چیزی باقی نمانده. یعنی مردم،

صفحه ۴

چیزی که میشود در صفوف حکومت دید يك وحشتی است که سرتاپای حکومت را گرفته و در عین حال تشمت بیشتر در صفوف حکومت را میشود دید. زبان جناحهای حکومت مثل همین فائزه رفسنجانی مقابل خامنه ای دراز تر شده است. اینهایی که اشاره کردید جزو جناح اصولگرا و کمی تندتر حکومت بوده اند. الان دارند میگویند حکومت ما سرنگون میشود کاری هم نمیتوانیم بکنیم و فشار گذاشته اند روی خامنه ای. خامنه ای و دارو دسته اش هم کاری که این مدت سعی کرده اند بکنند اینست که نیرو بسیج کنند، پاسداران بیشتری استخدام کنند و به خدمت بگیرند، و غیره و غیره. اما اساس مساله ترس و وحشت و تشمت در سرتاپای حکومت كاملا مشاهده میشود. نه فقط در درون حکومت بلکه حتی در صفوف طرفداران دورترش هم تشمت و ترس را میشود دید. بازاریایی که طرفدار حکومت بوده اند، آخوندهایی که طرفدار حکومت بوده اند و همه اینها خودشان را دارند جدا میکنند.

کیوان جاوید: بگذارید يك نکته ای را بگویم. از دی ماه ۹۶ با این شور و مثبت سخن گفته میشود. به همه انرژی میدهد، به این نتیجه میرسیم که کار حکومت تمام است جناح اصلاح طلبش که همیشه سویاپ اطمینان جمهوری اسلامی بوده هم کارش به پایان رسیده است و کار این جنبش تمام شده. مردم به عالی ترین شکل که قیام شهری باشد وارد میدان شدند اما شکست خوردند. چرا اینهمه بار مثبت به آن میدهد؟

کاظم نیکخواه: به نظر من شکست نخورده حقیقتا. وقتی به همین جنبه هایی که همین الان اشاره کردیم فکر کنیم متوجه میشویم که این جنبش شکست نخورده. خیزش دی ماه سرنگونی را به وسط جامعه آورد و در همین يك سالی که گذشته بقول فائزه رفسنجانی ها کل مضمون جمهوری اسلامی کنار زده شده و سرنگون شده است. حجاب

جمهوری اسلامی راه دیگری جز سرنگونی ندارد. یعنی همه طرف حکومت را مردم محاصره کرده اند و میگویند قبول نداریم، تردید نداریم، توهم نداریم. و تبلیغاتی که برای این جناح و آن جناح و خاتمی و رفسنجانی و روحانی و امثال اینها میشد رنگ باخته و پوچ شده و همه شان دارند میگویند تمام شده است.

کیوان جاوید: چه تاثیری این خیزش دی ماه ۹۶ میشه گفت که روی صفوف حکومت داشته؟ شما يك اشاره کوتاهی کردید بگذارید من هم بگویم که فائزه رفسنجانی گفته محتوایی حکومت اسلامی سرنگون شده و همین دیروز حسن خمینی گفته است که ممکن نیست که همه دیکتاتور ها سرنگون شوند و ما بمانیم. و هشدار داده که حکومت جمهوری اسلامی هم میتواند برود. چه تاثیری عمیقا در صفوف جمهوری اسلامی گذاشت دی ماه ۹۶؟

کاظم نیکخواه: تاثیراتش بسیار است. ترس و وحشت در صفوف حکومت بیش از آنستکه بشود تصور کرد. از يك طرف جمهوری اسلامی سعی میکند نیروی ضد شورش، نیروی سرکوش را بیشتر کند و آماده تر کند. اما این ترس و وحشت را همه جا میشود در صفوف حکومت دید. حرف جالبی فائزه رفسنجانی زده که جمهوری اسلامی از نظر محتوایی سرنگون شده است. و حسن خمینی که میگوید ما ماندنی نیستیم. همه دیکتورها میروند و ما هم استشنا نیستیم. يك ولولمه ای در صفوف حکومت افتاده که کاری باید کرد. يك جوری باید مردم را دریافت. همه آنچه هایی که مردم به آن اعتراض کرده اند، سرکوب و اختلاس و دزدی و جنایت و زندان و اعدام و اینها. همه اینها را خود جناحهای رژیم دارند علیه یکدیگر مطرح میکنند و گوشه هایی از حرف مردم را علیه یکدیگر میگویند. و با وحشت میگویند باید کاری کرد.

اگر بخواهم خلاصه بگویم

بسیار مهم است. این متن بر اساس گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه تنظیم شده است.

کیوان جاوید: چرا؟ دلیلش اینست که مردم در صد شهر به خیابان آمدند؟ میشود در شعارها این جنبه ای که شما میگویند را نشان داد؟ شعارها اساسا چه بود؟ چطور میشود با شعارهایی که در این خیزش در این حرکت داده شد به این نتیجه ای رسید که شما تاکید میکنید؟

کاظم نیکخواه: ببینید ما در بیش از صد شهر شاهد خیزش مردم بودیم. اما این صد شهر نماینده چند صد شهر، نماینده کل شهرها آمدند اما نماینده میلیونها نفر بودند. آن روزهایی که اعتراضات جریان داشت حتی آنجایی هم که تجمع و تظاهرات نبود، مردم نگاهشان، امیدشان به این جنبش بود و خودشان را برای تجمع و تظاهرات و شعار دادن آماده میکردند و فضای جامعه اینگونه بود. اگر مقایسه کنیم با مثلا ۸۸ يك عده میگفتند موسوی و "رای منو پس بده" و امثال اینها کنار رفت. اصلاح طلب اصولگرا دیگه توموه ماجرا یکی از شعارهای اصلی دی ماه بود. مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه ای اینها شعارهای اصلی حرکت مردم بود. کل جمهوری اسلامی را مردم نشانه گرفتند و اعلام کردند که این حکومت را نمیخواهند و توهمی به هیچ جناح آن ندارند. و عزم کرده اند که خودشان را از شر تمام اینها خلاص کنند. بنابراین توهم و شک تردیدی در این رابطه در کل جامعه باقی نماند.

همین روزها يك خبرنگار از یکی از روزنامه های غربی به ایران رفته بود و میگفت مردم این حکومت را سرنگون میکنند.

وقتی به جامعه برویم و به بحثها و گفتمان هایی که مبلغین، سخنگویان، و مدافعان حکومت با هم دارند گوش کنیم همه گویای این فضای سرنگونی است که خیزش دی ماه روی میز آنها هم آورد. که

این متن بر اساس گفتگوی تلویزیون کانال جدید با کاظم نیکخواه تنظیم شده است. کیوان جاوید: سلام میگویم به شما بینندگان عزیز. يك سال از خیزش مردم در صد شهر ایران گذشت. این خیزش چه تاثیری در سرنوشت مردم داشت؟ چه فرقی بین این خیزش با اعتراضات دیگر وجود دارد؟ و چه جایگاهی امروز میتوانیم امروز به خیزش دی ماه ۹۶ بدهیم؟ در همین رابطه ما امروز با کاظم نیکخواه گفتگو میکنیم. کاظم نیکخواه خوش آمدید به برنامه گفتگو. کاظم نیکخواه: تشکر میکنم با درود به شما و همه بینندگان عزیز

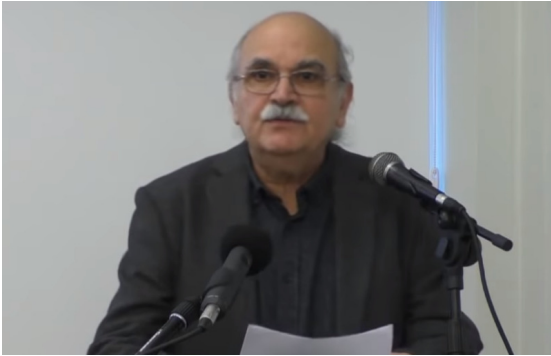
کیوان جاوید: خیلی ممنون. تاثیر سیاسی خیزش ۹۶ را شما چطور ارزیابی میکنید؟

کاظم نیکخواه: این يك رویداد بسیار عظیم و تاریخی بود. مهمترین کاری که خیزش دیماه کرد سرنگونی را روی میز جامعه آورد. وسط صحنه جامعه آورد. یعنی مردم خودشان دیدند و باور کردند که میتوانند جمهوری اسلامی را سرنگون کنند. دیدند و باور کردند که میلیونی همه مردم علیه جمهوری اسلامی هستند. دیدند که کل جامعه علیه جمهوری اسلامی است و عزم کرده که خودش را از شر این حکومت منفور، سرکوبگر، چپاولگر، و حریص و ضد انسانی خلاص کند. این بنظر من مهمترین معنای سیاسی یا دستاورد سیاسی یا معنای سیاسی خیزش ۹۶ بود. بعد از آن یعنی این یکسالی که از خیزش دی ماه گذشته دیگر کسی تردید ندارد که جمهوری اسلامی باید برود و قطعا سرنگون میشود. این حکومت راه دیگری ندارد. هیچ بخشی از مردم با این حکومت کنار نمی آید. و دیر یا زود این حکومت را سرنگون میکنند.

يك نکته مهم دیگر اینست که "انقلاب" به عنوان راه موثر و مردمی سرنگونی جمهوری اسلامی روی میز آمد و ماند. کل اعتراضات سال گذشته فضایش تحت تاثیر خیزش ۹۶ بود. و این بنظر من در آینده سیاسی جامعه

جایگاه شوراها و گفتمان اداره شورائی

سخنرانی حمید نقوائی در معرفی قرار "شوراها در شرایط انقلابی" در پلنوم ۴۹ حزب



و حتی در ارتش هم ممکن است شوراها تشکیل بشوند. همانطور که در انقلاب ۵۷ چنین شد.

مردم رئیس و آقا بالا سر نمیخواهند و این جوهر شورا هم بعنوان ارگان مبارزه و هم ارگان حکومتی است. جنبش اشغال در غرب هم همین خصوصیت را داشت. در جنبش اشغال هم اساس حرکت زدن بزر دولت مافوق مردم بود. اگر بخاطر داشته باشید در کنگره حزب در آن دوره من بر همین نکته تاکید کردم. جنبش اشغال خود گردانی در شهرها و میادین را سازمان میداد و گرچه در این جنبش چپ نقش اساسی داشت ولی در آن مورد هم جنبش الگوی خود را از انقلاب مصر و میدان التحریر میگرفت.

جنبش اشغال جنبش نود و نه درصدی ها علیه یک درصدیها بود و امروز امر انقلابی که در ایران در حال شکل گیری است هم تعیین تکلیف نودون درصدیها با یک درصدیها است. میخوامم بگویم جوهر عمیقاً انقلابی و پرولتری جنبش شورائی اینست که نه تنها حکومت موجود، مثلاً جمهوری اسلامی در ایران، بلکه هر نوع دولت مافوق مردم را بزر سوال میبرد و نفی میکند. و این یعنی حکومت کارگری. حکومت کارگری نمیتواند مافوق مردم باشد و نیست بلکه شورائی و متکی به توده مردم سازمانیافته است. روشن است که در شرایط حاضر در ایران شوراها هنوز بعنوان ارگانهای حکومتی مطرح نشده اند ولی این آینده را در چشم انداز جامعه قرار میدهند. گفتمان شورا بعنوان ارگان اداره جامعه تصویر روشنی از شکل حکومت برآمده از انقلاب بدست میدهد.

بالاخره نکته آخر نقش ابزاری شورا در متحد و همبسته و دخیل

گرایشی وجود دارد که خصلت سیاسی جنبش شورائی، یعنی خواست اداره امور را بر متن تقابل و چالش حکومت موجود نمی بیند و آنرا به اداره کارخانه محدود میکند. اما واقعیت آنست که زیر سلطه حکومت سرمایه نمیتوان کارخانه ها را طبق خواست و کارگران اداره کرد. سوسیالیسم در سطح کارخانه ها ممکن نیست. باید ابتدا حکومت را از دست سرمایه داران خارج کرد. گرایش آنارکوسندیکیالیستی و چپی که مجیزگوئی از طبقه کارگر را با رادیکالیسم کارگری اشتباه گرفته ممکن است چنین فکر کند که اداره هر کارخانه و مرکز تولیدی بوسیله کارگران آن مرکز به معنی نفی سرمایه داری است. اما این یک توهم است. نفی سرمایه داری بدون تصرف قدرت سیاسی بوسیله حزب طبقاتی کارگران ممکن نیست. در آرژانتین جنبش اداره کارخانه ها - جنبش کارخانه بدون کارفرما - براه افتاد و گسترش هم پیدا کرد ولی نهایتاً سرش به سنگ خورد. چون دولت را چالش نمیکرد و میخواست کارخانه به کارخانه خواستههای کارگران را برآورده کند. این امکان پذیر نیست. البته شورا باید خواست اداره کارخانه را اعلام کند. باید مثل شورای کارگران هفت تپه بگوید کارخانه را میگیریم و اداره میکنیم. منتها این نوعی چالش حکومت است. اعلام اینست که دولت ناتوان و درمانده در اداره کارخانه ها باید برود.

شورا در شرایط انقلابی نماد و تجسم چالش سیاسی حکومت است. ابزار انقلاب و ابزار بزر کشتیدن حکومت است. و بهمین خاطر جنبش شورائی میتواند بسط پیدا کند و شوراها در جنبش سرنگونی و در میان همه بخشهای مردم که خواهان بزر کشتیدن دولت هستند شکل بگیرد. در دانشگاه ها و ادارات

در انقلاب ۵۷ هم کارگران در تجربه به شورا رسیدند. اینطور نبود که کارگران تاریخ انقلاب بلشویکی را خوانده بودند و از کتابها به ضرورت شورا رسیده بودند. امروز هم همینطور است. فعالین جنبش کارگری بر اساس تئوری و یا موضعگیریهای اجزایی نظیر حزب ما شورا را مطرح نمیکند. حتماً تجربه تاریخی و تداوم جنبش شورائی و فعالیتها حزب ما تاثیر داشته است اما در اینجا هم شرایط عینی نقش تعیین کننده ای ایفا میکنند. تجربه هفت تپه یک بروز و نمونه ای است از یک واقعیت عمومی تر در جنبش کارگری و در کل جامعه. این واقعیت که دولت و کل بالائی ها دیگر نمیتوانند تولید را اداره کنند. و این به معنی فقر و گرسنگی و شرایط سخت معیشتی کارگران و اکثریت عظیم مردم رانده شده بزر خط فقر است. این یعنی گرسنگی من کارگر و گرسنگی خانواده ام و فرزندنامم. بالائی ها نمیتوانند زندگی کارگرا تامین کنند و چشم اندازی هم نیست. مدیر بعد از مدیر آمده و دزدیده و رفته است و همان کارگری که شاید اسفند دوسال قبل برای اضافه دستمزد و یا پرداخت دستمزدهای معوقه جلوی اداره کار جمع میکرد همان کارگر امروز اعلام میکنند خودم اداره میکنم. در انقلاب است که انوریته بالائی ها در هم میکشند و "هیچ بودگان" به این نتیجه میرسند که امور را باید خودمان در دست بگیریم. این جوهر خواست و ایده و گفتمان شوراها در شرایط حاضر است.

بر این مبنا است که قرار اعلام میکنند شوراها زائیده شرایط انقلابی هستند. و به این معنا شورا یک پدیده عینی است. همانطور که در انقلاب ۵۷ و در انقلاب اکتبر چنین بود.

نکته دوم که خود ناشی از همین ضرورت عینی است، اینست که شوراها امروز ابزاری هستند برای بچالش کشتیدن یک حکومت ناتوان. و نه ابزاری برای اداره امور با فرض سلطه حکومت موجود.

ای کند به این خاطر بود که جنبش کارگری در شهرها با پرچم شوراها سر بلند کرد و کل چپ را تحت تاثیر قرار داد. منظور من اینست که آن زمان کسی حتی گفتمان شوراها را در جامعه مطرح نکرده بود. صحبت بر سر یا محاصره شهرها از طریق دهات بود و یا مبارزه مسلحانه هم استراتژی هم تاکتیک و یا خط حزب توده که با جهت گیری ضد آمریکائی گری با جمهوری اسلامی ساخته بود. شوراها از کجا آمد؟ شرایط عینی مبارزه شورا را طلب میکرد.

شورا مثل خود انقلاب یک پدیده عینی است. به نظر من شورا یکی از محصولات انقلابات دوره کارگر صنعتی است. میدانید خواست و گفتمان شورا در دوره های انقلابی از کجا ناشی میشود؟ از ناتوانی دولت در اداره امور هر روزه جامعه از جمله و بویژه در امر تولید و در کارخانه ها، و از پی بردن کارگران و توده مردم به این واقعیت که دیگر از دولت کاری ساخته نیست و من خودم بهتر میتوانم امور را اداره کنم. گفتمان کارگران هفت تپه در اوج اعتصابشان این بود که ما کارخانه را بهتر از دولت و کارفرما و مدیران میشناسیم، ما خودمان متخصص تولید هستیم، چرا کارخانه را بدهیم بدست امثال کاظمی ها که میزدند و میبزدند و میگویند ورشکست شدیم و پول نداریم و اخراج میکنند و غیره؟ خودمان اداره میکنیم! این ایده ای است که در شرایط انقلابی گسترش پیدا میکند و همه گیر میشود.

شورا قبل از هر چیز زائیده بزر سوال رفتن و نفی عملی اتوریته دولت است و در شرایط انقلابی این اتفاق می افتد. قبل از انقلاب بلشویکی هم هیچکس از شورا حرف نمیزد. کمونیستهای آن زمان بر مبنای تجربه کمون پاریس، حکومت نوع کمون را مطرح میکردند. در انقلاب روسیه شوراها کارگران دهقانان و سربازان در دل انقلاب شکل گرفت و بعد لنین بر اساس این تجربه عملی آنرا تئوریزه کرد و شعار تمام قدرت به شوراها را مطرح کرد.

حزب ما حزب شوراها و پرچمدار جنبش شورائی است. ولی علت اینکه در این پلنوم مشخص قرار شوراها مطرح میشود اینست که امروز دیگر شوراها به پرچم جنبش کارگری، و یا لاقبل بخشی از رهبران جنبش کارگری در فعالترین بخش این جنبش مثل نیشکر هفت تپه و گروه ملی فولاد اهواز، تبدیل شده است و گفتمان شورا و خواست اداره شورائی دارد در جامعه گسترش پیدا میکند. حزب ما موظف است که در این شرایط تبیین مشخص اش از شوراها را اعلام کند. اعلام کند جایگاه و نقش شوراها چیست، در جنبش سرنگونی کجا ایستاده اند، در جنبش کارگری چه جایگاهی دارند، در آینده جامعه چه موقعیتی خواهند داشت و غیره. اینها را باید بروشنی تعریف و تبیین کرد چون نظرات متفاوتی در جنبش چپ و کارگری وجود دارد. ما باید تبیین و گفتمان و تحلیل خودمان و در نتیجه توقع و انتظاری که از شوراها باید داشت را در جنبش کارگری و در جامعه مطرح کنیم. فعالین جنبش کارگری که پرچم شوراها را بلند کرده اند باید بدانند جایگاه شورا و نقش آن در مبارزه امروز و فردای آنها چیست.

اولین نکته اینست که شوراها یکی که امروز مطرح میشود ادامه خطی شوراها و مجامع عمومی منظم در مبارزه هر روزه کارگری نیست، حتماً اینها به هم مرتبط هستند ولی امروز با نقطه عطف و کیفیت متفاوتی در جنبش شورائی رویو هستیم. این کیفیت تازه را جنبش انقلابی جاری به شوراها بخشیده است.

انقلاب ۵۷ را در نظر بگیرید. در آن زمان نه حزب ما وجود داشت و نه در جنبش چپ آن زمان، اعم از خط چپکی و مائوئیستی و یا کلا خط باصطلاح سیاسی - تشکیلاتی، سخنی از شورا در میان بود. با این حال شوراها از کارخانه ها و از جامعه جوشید و همه جا سر برآورد. چپ هم البته به استقبالش رفت. یکی از دلایلی که در جنبش چپ آن زمان لنینیسم توانست مائوئیسم را حاشیه

اولین سالگرد خیزش ...

از صفحه ۲

کارگران، پرستاران، بازنشسته ها، دانشجویان، مالباختگان، زنان، دختران همه فعال سیاسی شده اند. و کسی نمیتواند ارتجاع و ارتش را بعنوان سلحشوران به آنها بفروشد.

کیوان جاوید: یک جنبه دیگری از بحث را شروع کنیم. مدیای رسمی امثال بی بی سی که مثل یک حزب سیاسی عمل کرده و بدرجه ای حتما تاثیر گذار هم بوده همیشه مدافع بخشی از حکومت بوده و کل ساختار حکومت بوده. دی ماه ۹۶ چه تاثیری بر رسانه های امثال بی بی سی گذاشت، چه تاثیری روی دولتها گذاشت؟

کاظم نیکخواه: چیزی که شاهدش هستیم دی ماه ۹۶ به همه دولتهایی مثل دولتهای اروپایی که به جناحهای حکومت توهم و امید داشتند آنها هم توهمشان فرو ریخت. متوجه شدند که در ایران مردم دیگر این چیزها را نمیخرند. یعنی امیدی به اینها نباید داشته باشند. در نتیجه یک نوع گیجی، و سردرگمی در این طیفی که از صحبت میکنیم ایجاد شده است. این جریانها و دولتها در عین حال که نگرانند که جمهوری اسلامی با انقلاب مردم سرنگون شود و فضای جامعه به چپ بچرخد، چون جامعه ای که ضد مفتخوری، ضد اقلیت مفیتخوری است که بالای سر جامعه است، نمیتواند چپ نباشد. همه این دولتها هم متوجه شده اند که جمهوری اسلامی را نمیشود نگه داشت در عین حال آلترناتیو قابل اتکایی هم ندارند. چون سلطنت طلبان و رضا پهلوی و امثالهم را مردم قبول نمیکند. دوره بازگشت به رژیمهای موروثی و سلطنتی در ایران گذشته است. مردم قبول نمیکند جامعه ای که این قدر مدرن، پیشرو، آگاه است چنین توهماتی به جریانها ارتجاعی ندارد. برای نمونه اسماعیل بخشی یک کارگر از هزاران فعال کارگری در این جامعه است. مثل یک رهبر و قهرمان ملی نماینده همه بخشهای مردم میشود و در قلب مردم جا میگیرد. از این نوع رهبران در آن جامعه قطعا بسیار بسیار داریم و این را احزاب و رسانه ها و دولتها و

اتفاقی فکر دولتها هم می بینند و دچار سردرگمی شده اند.

کیوان جاوید: شما به اسماعیل بخشی اشاره کردید. آیا دی ماه ۹۶ توانست تاثیری روی کل کارگران و جنبش کارگری بگذارد و آنرا به چپ سوق بدهد؟

کاظم نیکخواه: همین اعتراضاتی که در نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز و قبل از آن هپکو و پتروشیمی ها و امثال اینها بود نشان میدهد که کارگران چه موضع و گرایشی دارند. ببینید یک اتفاقی که افتاد این بود که نه فقط جنبش کارگری به چپ چرخید و سیاسی تر شد، بلکه کارگر وسط صحنه سیاسی جامعه آمد و نقش محوری و رهبری پیدا کرد. یعنی طبقه کارگر نماینده کل جامعه شد. اگر شما ده سال پانزده سال به عقب برگردید ممکن بود بخشهای زیادی از مردم را میدیدید که به آن جناح و این جناح حکومت توهم داشته باشند. امثال همین بی بی سی و رسانه های غربی مشغول این بودند که خاتمی و رفسنجانی را به مردم بفروشدند و بدرجه ای شاید موفق بودند. اما امروز همین ها ناچارند هرروز از اسماعیل بخشی و اعتصاب نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز گزارش و تفسیر پخش کنند. از شوراهای مستقل کارگری گزارش بدهند. این گفتمان طبقه کارگر است. این گفتمان چپ است. گفتمان ماست. گفتمان جریاناتی است که هیچ چیز این سیستم را قبول ندارند. سرمایه داری و مذهب و ارتش و پاسدار و هیچ چیزش را قبول ندارند. همه را ابزاری در خدمت مفتخوران میدانند.

این گفتمان مرکزی و محوری در صحنه سیاسی ایران تبدیل شده است. و این یک اتفاق تاریخی ای است که نمونه و سابقه ندارد. من ادعا میکنم که امروز در دنیا جامعه ای به این روشنی، به این آگاهی، به این پیشرو بودن نظیر جامعه امروز ایران وجود ندارد.

کیوان جاوید: وقتی دی ماه ۹۶ را در نظر بگیرید اینطور نبوده که مردم فقط علیه یک در صدیهای غارتگر و سرمایه داران شعار بدهند. بخشهای در دفاع از رژیم گذشته داده شده. راست

میتواند بگوید ما دست بالا داریم. در این مورد چه میگویید؟

کاظم نیکخواه: بنظر من یک سال گذشته که از دی ماه ۹۶ تا کنون گذشته نشان میدهد که این نوع تبلیغات و ادعاهای راست چقدر بی پایه و پوچ است و این نوع شعارهایی که میگویید ساخته پرداخته یک دارودسته های کوچکی بود و امثال بی بی سی و اینها سعی کردند به آن دامن بزنند. ببینید ما در این مملکت حداقل روزی ده تا پانزده تا اعتصاب و تجمع و اعتراض کارگر، معلم، بازنشسته، دانشجو و مالباختگان و زنان و بخشهای مختلف مردم را داشته ایم. سوال من از همه آنها که این ادعاها را دارند اینست که آیا در چندتا از این تجمعات و اعتراضات ما شاهد این نوع شعارهای راست و سلطنت طلبانه بوده ایم؟ هیچکدام. در همه اعتراضات علیه سرمایه داران و مفتخوران و اقلیت مفتخور شعار شنیده ایم. اما در یک مورد از آنها کسی نیامده بگوید رضا شاه روح شاد و امثال اینها. این حرف مردم است. علیه بالایی ها، علیه اقلیت مفتخور، علیه حقوقهای نجومی و در دفاع از منزلت و معیشت و برابری شعار شنیده ایم. اگر که من نبودم تو ان بالا نبودی و امثال اینها را شنیده ایم که علیه یک اقلیت مفتخور سرمایه دار است، اما از آن نوع شعارهای راست چیزی شنیده نشد. بنظر من اینها جست و خیز جریاناتی است که در حاشیه جامعه قرار دارند و برخلاف تبلیغات و جنجالی که صورت میگیرد جایی برای بازگرداندن رضا شاه و سلطنت و حکومت موروثی و دیکتاتوری آریامهری و امثال اینها در جامعه ایران و هیچ جای دیگری وجود ندارد.

کیوان جاوید: برسیم به بقیه بحثها. یک بحثی که در جنبش کارگری این روزها شنیده میشود شعار شوراهای مستقل و بدست گرفتن توسط شوراهای واقعی مطرح میشود. جایگاه این شعار را در این شرایط و در سراسر بخشهای جامعه چه می بینید؟

کاظم نیکخواه: شورا یعنی مردم. اگر مردم بخواهند اختیار دار و تصمیم گیرنده جامعه باشند،

دخالت کنند، قدرت بگیرند، تاثیری در فضای جامعه بگذارند، بهبودی به نفع خود ایجاد کنند، از طریق شوراهایشان میتوانند این کار را بکنند. و این یعنی مردم وسط آمده اند. کارگر وسط آمده است. شوراهای مستقل کارگری و مردمی به گفتمان جامعه تبدیل شده است. این یعنی که یک تحول پایه ای و بسیار شورانگیز در جامعه در جریان است. آن چیزی که ما سالها روی آن تاکید میکردیم، ازش دفاع میکردیم، آنرا تبلیغ میکردیم الان به گفتمان خیابان تبدیل شده است. به موضوع اعتراض و خواستههای کارگران، مالباختگان، بازنشستگان و دانشجویان تبدیل شده است. خود این بروشنی نشان میدهد که جامعه ای که از شورا و دخالت مستقیم مردم قبل از اینکه به سرنگونی رسیده باشد سخن میگوید به آن حد از خودآگاهی رسیده است که نتوانند بازیچه اش قرار دهند. علیه اش توطئه کنند و امثال اینها. و اینهم آن ادعای مرا اثبات میکند که این جامعه به نحو بی نظیری جلو آمده و آگاه است.

کیوان جاوید: برسیم به بخش دیگر سولاتمان. قیام دی ماه ۹۶ را میتوان گفت قیام جوانان شهری بود اما کارگران دست به اعتصابات سیاسی زدند. الان کارگران دارند اعتصاب و اعتراض میکنند آن جوانان نیستند. یعنی چرا آن اتحاد و همبستگی میان اعتراضات کارگری و نیروهای جوانی که قیام شهری میکنند وجود ندارد؟

کاظم نیکخواه: وجود دارد. ببینید اعتصاب نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز که تا همین روزها جریان داشت، آشکارا مورد حمایت و پشتیبانی فعال مالباختگان، پرستاران و معلمان و دانشجویان، قرار گرفت. دهها دانشگاه در حمایت از نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز دست به تجمع و تظاهرات زدند و سرکوب و تعرض به کارگران را محکوم کردند. اینها جوانان هستند. اتفاقا فضای همبستگی و اتحاد همه جا موج میزند و این همبستگی بسیار آشکار و شورانگیز است. یک شعار بازنشستگان و دانشجویان، دانشجو، کارگر، اتحاد، اتحاد

است. یک شعارشان، کارگر زندانی آزاد باید گردد است. ما مبارزه و جمعی را نمی بینیم که در آن از دیگر مبارزات حمایت نشود.

این را قبلا ما تبلیغ میکردیم، اهمیتش را توضیح میدادیم و ترویج میکردیم. الان داریم آنرا در خیابان می بینیم. کارگر نیشکر هفت تپه اعتراض میکند، به او تعرض میکنند، دانشجوی دانشگاه تهران و جاهای دیگر از او حمایت میکنند. پرستاران ازش حمایت میکنند. معلمان ازش حمایت میکنند. مالباختگان و بازنشستگان ازش حمایت میکنند. و شعارشان اینست که کارگر، معلم دانشجوی اتحاد اتحاد. این شعار یک موقعی فقط شعار دانشجویان بود. الان شعار همه بخشهای جامعه است.

کیوان جاوید: پس شما موانعی بر سر راه جنبش سرنگونی نمی بینید؟ کاظم نیکخواه: چرا موانع متعددی وجود دارد و مانع اصلی خود جمهوری اسلامی است که باید کنارش زد. بحث بر سر اینست که جمهوری اسلامی سرکار است و یک عده ای هم میگوید خیزش دی ماه هم شکست خورد و چیزی از آن نماند. ما ناچاریم که از پیشرویهایمان بگویم و آنها را جلو بگذاریم و بگویم اینها را باید دید. من و شما باید این پیشروی ها را ببینیم تا بتوانیم گامهای بعدی را درست برداریم. این جنبش تشکل سراسری لازم دارد. رهبری سیاسی روشنی نیاز دارد که از نظر من حزب کمونیست کارگری است. اما این حزب باید توسط میلیونها نفر از مردم عملا پذیرفته شود و بعنوان رهبر جنبش و فراخوانهایش جواب بگیرد. و این گامهایی است که داریم بر میداریم. بنظر من همین پیشرویهایی که اشاره کردیم نشان میدهد که سیاستها و جنبه هایی که ما روی آن تاکید داشتیم به سیاست جامعه تبدیل شده است. و فاصله زیادی وجود ندارد که جامعه ببیند که فقط یک حزب میتواند نجاشش بدهد، میتواند رهبریش کند. میتواند از این وضعیت خلاصش کند. جامعه ای که اختلاس بالایی ها را نمیخواهد، جامعه ای که اقلیت مفتخور

کارگران در هفته ای که گذشت مضحکه انتخابات شورای اسلامی در هفت تپه



زندن. این چنین است که معلمان پرچمدار خواست سراسری درمان رایگان برای همه شده اند. همانطور که در مبارزات اخیرشان خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان را به جلو آوردند و توانستند جبهه وسیعی از همبستگی بر سر این خواست شکل دهند و میخ آنرا در راس خواسته‌های کل جامعه بکوبند. به کارزار معلمان برای حق درمان رایگان برای همه وسیعاً پیوندیم.

هفت کارگر گروه ملی فولاد اهواز همچنان در بازداشتند

بیش از دو هفته از دستگیریها در گروه ملی فولاد اهواز میگذرد و همچنان هفت کارگر بازداشتی دیگر به اسامی بهزاد علیخانی؛ مصطفی عیبات؛ کریم سیاحی؛ کاظم حیدری؛ میثم علی قنوتی؛ طارق خلفی و غریب حویزروی در زندان بسر میبرند.

یک خواست فوری کارگران گروه ملی فولاد اهواز آزادی بدون قید و شرط کارگران بازداشتی و پایان دادن به فضای امنیتی در کارخانه است.

واقعیت اینست که مبارزات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز در کنار مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه به یک موضوع داغ جنبش اعتراضی کارگری تبدیل شده است. این مبارزات همانطور که اشاره کردیم تا هم اکنون دستاوردهای بزرگی برای جنبش کارگری و کل جامعه در بر داشته است و به این اعتبار به سنگرهای مهمی برای پیشروی جنبش کارگری تبدیل شده اند. از همین رو کارگران گروه ملی فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه امروز در موقعیت خطیری قرار دارند و به

وسیعترین همبستگی‌های جامعه و نیز در سطح جهانی نیاز دارند. بطور مثال هم اکنون در گروه ملی فولاد اهواز از یکسو حکومت اسلامی تلاش میکند با امنیتی کردن فضای کارخانه و در جس نگاهداشتن چند صباحی بیشتر هفت کارگر باقیمانده

بکوبند، یک پیشروی مهم در حرکت اعتراضی این روز بازنشستگان بود. خواست درمان رایگان در تجمع این هفته بازنشستگان پررنگ تر از هر وقت مطرح شد و بر روی دست نوشته های آنان نقش بسته بود. در همین راستا دست نوشته نان، کار، آزادی، اداره شورای در دست تجمع کنندگان این روز برجستگی داشت.

همچنین یک وجه مهم دیگر تجمع بازنشستگان در این هفته طرح تاکید آنان بر سه خواست کلیدی و سراسری به رسمیت شناخته شدن حق تشکل، آزادی زندانیان سیاسی و همه معلمان دریند و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و افزایش حقوقها به بالای خط فقر اعلام شده که همانا در قدم اول شش میلیون است بود. بازنشستگان با اعلام این سه خواست مهم در بیانیه هایشان و در شعاریشان بطور واقعی خواسته‌های کل جامعه را نمایندگی کردند و به آن شفافیت بخشیدند.

در عین حال بازنشستگان در تجمع اعتراضی شان با شعارهایی چون زندانی سیاسی آزاد باید گردد، معلم زندانی آزاد باید گردد، نه تهدید، نه زندان، دیگه فایده نداره، حکومت سرکوب، زندان و شلاق نیمه‌خوابیم به حکومت اسلامی و دستگاه سرکوب و جنایتش نه گفتند. بدین ترتیب بازنشستگان در تجمع روز دوازدهم دیماه خود با بیان خواسته‌های رادیکال و انسانی خود بازم در جلوی صف جامعه حرکت کردند و نقش درخشانی در جلو بردن گفتن‌های چپ، رادیکال و انسانی در سطح جامعه ایفا کردند. زنده باد بازنشستگان

یک کارزار مهم

یک کارزار مهم معلمان شاغل و بازنشسته، اعتراض به "بیمه تکمیلی" ناکار آمد است که هزاران نفر تا کنون آنرا امضاء کرده اند و همچنان در جریان است. خواست مشخص معلمان در این کارزار درمان رایگان برای همه است. و این خواستی است که بازنشستگان نیز در تجمع دوازدهم اردیبهشت آنرا فریاد

اختلاس و دزدیها و اداره شورایی کارخانه توسط نمایندگان منتخب خود و ایجاد شوراهایشان هستند. این کارگران خواستار قراردادهای مستقیم کاری و برداشته شدن تهدید اخراج و بیکارسازی از روی سرشان هستند. این کارگران خواستار پرداخت موقوف دستمزدها و داشتن یک زندگی انسانی هستند. برای پیشبرد این خواستها اولین خواست کارگران نیشکر هفته تپه پایان دادن به امنیتی کردن مبارزاتشان، آزادی فوری و بدون قید و شرط علی نجاتی از اعضای سندیکای نیشکر هفت تپه و بسته شدن تمامی پرونده های امنیتی تشکیل شده و ممنوعیت وثیقه این شکل کریمه باجگیری و گروه‌انگیزی هستند.

حکومت مفتخور سرمایه دار نمیخوایم، نمیخوایم

تجمع اعتراضی بازنشستگان در دوازدهم دیماه در این هفته در مقابل مجلس اسلامی با شعار حکومت مفتخور سرمایه دار نمیخوایم، نمیخوایم، یک اتفاق سیاسی مهم است که بطور واقعی آینه ای از اوضاع سیاسی کل جامعه است. در این روز بازنشستگان با شعارهای اعتراضی شان، بطور واقعی تعیین و روشنی بیشتری به اعتراضات مردم در کل جامعه علیه شکاف عظیم طبقاتی حاکم بخشیدند. از جمله در این روز آنها با شعارهایی چون دولت سرمایه دار، حرف حالیش نمیشه، حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی، بازنشسته به پا خیز علیه ظلم و تبعیض، معیشت منزلت حق مسلم ماست کیفرخواست مردم به تنگ آمده از فقر و تبعیض و نابرابری سرمایه داری دزدسالار حاکم را اعلام داشتند.

جنبه مهم دیگر اعتراض بازنشستگان جلو آوردن خواست سراسری درمان رایگان بود. این خواست در کنار خواست تحصیل رایگان برای همه کودکان که معلمان و بازنشستگان در اعتراضات قبلی خود بر آن تاکید کرده و توانستند مهر آنرا در راس خواسته‌های کل جامعه

اینجاست که در جریان همین تلاش کردن ها ضعف و استیصال حکومت را به روشنی شاهد بودیم. از جمله برای پیشبرد این سیاست جمهوری اسلامی فعالین کارگری در هفت تپه را احضار و تهدید به زندان کرد. به آنها فشار آورد که کاندید شوراها را اعلام کنند و وقتی کارگرانی که زیر فشار اسمشان در لیست کانیدها قرار گرفته بود، بعداً میخواستند انصراف دهند، با چماق زندان آنها را مورد تهدید و فشار قرار داد. آخر سر هم در روز تعیین شده، شرکت در مضحکه ای که به پا داشته بودند، آنچنان کم بود که حتی مجبور شدند ساعت رای گیری را تمدید کنند. خلاصه کلام اینکه در این ماجرا همانند همه مضحکه های انتخاباتی دیگرشان اسامی را با اعلام آرای مهندسی شده بیرون آوردند و آنرا به عنوان شورای اسلامی این مجتمع کارگری اعلام کردند. این چنین بود که موجود کثیفی به اسم شورای اسلامی را در زیر چماق زندان و با دخالت دادستانی و اطلاعات در نیشکر هفت تپه ایجاد کردند. و این اتفاق نیز یک بار دیگر این نظر همه کارگران را اثبات کرد که شوراها را اسلامی ارگان جاسوسی حکومت و کارفرما هستند و ضد کارگری و ضد مردمی اند.

جالب اینجاست که اینان که خود از موقعیت لزان شورای سرهم بندی شده کذابی شان خبر دارند، اینها که به روشنی میدانند کارگری که خواسته هایی داشته دوباره به میدان خواهد آمد، اکنون شتابزده در این تلاشند که با وعده و وعید هایی ذره ای بر اوضاع کنترل پیدا کنند و در میان کارگران جای پای پیدا کنند. خلاصه کلام اینکه همه شاهد حاکی از اینست که خود همین شوراها را اسلامی سرهم بندی شده، نیز برای حکومت اسلامی و مدیران مافیائی نیشکر هفت تپه در دسر و معضلی ایجاد خواهند کرد و ددرسه های تازه ای برایشان ایجاد خواهد شد.

کارگران نیشکر هفت تپه خواستار جارو شدن کل این بساط

یک تلاش حکومت اسلامی در این هفته برپا کردن مضحکه انتخابات شورای اسلامی در هفت تپه بود. برپایی این نهاد دست ساز حکومتی در هفت تپه برای جمهوری اسلامی مهم بود، زیرا اعتراضات قدرتمند این کارگران و خصوصاً جلو آمدن گفتن اداره شورایی توسط رهبر محبوب آنان اسماعیل بخشی، تهدید بزرگی برای حکومتیان بود. جمهوری اسلامی با این کار تلاش کرد که تشکل ارتجاعی و ضد مردمی شورای اسلامی اش را با همدمستی اطلاعات و حراست و دادستانی و با به کارگیری ابزار سرکوبش جلو بکشد تا ذره ای هم که شده اثرات این تهدید بزرگ را شاید کاهش دهد. این را در نوشته دیگری هم اشاره کرده بودیم. واقعیت اینست که سنگری که این کارگران و در کنارشان کارگران گروه ملی فولاد اهواز بدست آورده اند و گفتن آنی که مطرح کرده اند سکوی پرشی شده است که کل جنبش کارگری و مبارزات مردم در سطح جامعه را گامها جلو میبرد.

حکومت اسلامی خوب میدانند که با سرکوب و تهدید و دستگیری موقعیت مبارزاتی کارگران نیشکر هفت تپه را نمیتوان به عقب برگرداند. کارگران نیشکر هفت تپه و در کنارش گروه ملی با مبارزات درخشانشان توانستند به آنچنان همبستگی مبارزاتی ای در سطح جامعه شکل دهند که پژواک قدرتمندش را همین هفته در تجمع بازنشستگان در مقابل مجلس و با فریاد کارگر، معلم، دانشجو اتحاد، اتحاد و با فریاد های حکومت سرمایه دار مفتخور نیمه‌خوابیم، حکومت فقر و دزد و چپاول نیمه‌خوابیم نمیخوایم، حکومت شلاق و زندان نمیخوایم، همه مردم شنیدند.

زیر فشار چنان اتفاق شورانگیز و عظیمی است که جمهوری اسلامی در جایی چون هفت تپه که یک کانون مهم همه این پیشرویهاست تلاش میکند پرچم مسخره شورای اسلامی کذاییش را برپا کند. نکته قابل توجه

جایگاه شوراها و گفتمان اداره شورایی

از صفحه ۶

کردن توده کارگر در مبارزه است. سنیدیکا فقط اعضایش را نمایندگی میکند ولی شورا همه کارگران يك واحد تولیدی را نمایندگی میکند. شورای هفت تپه متعلق به همه کارگران هفت تپه است ولی سنیدیکای هفت تپه تشکل کارگران عضو سنیدیکا در هفت تپه است. شورا در شرایط انقلابی از این نظر هم مهم است. در شرایط انقلاب توده کارگر هم فعال میشود. اکتیویست صنفی کارگری در شرایط عادی ابزار سنیدیکا را بکار میگیرد ولی در شرایط طوفانی همه کارگران اکتیویست هستند. در طوفان انقلاب همه کارگران سیاسی اند. همه کارگران میخواهند داد دلشان را از سیستم بگیرند. و بنابراین تشکلی لازمست که کارت عضویت را کنار بگذارد و همه را نمایندگی کند. شورا به مجمع عمومی همه کارگران يك واحد تولیدی مبتنی است و این يك نقطه قوت مهم شورا و هر نوع دیگر تشکل توده ای است. حتی در شرایط انقلابی اتحادیه هم میتواند به مجمع عمومی متکی بشود. ما

همین راه حل را در جدلی که چندی پیش بر سر هیات مدیره سنیدیکای واحد در گرفته بود مطرح کردیم. گفتیم مجمع عمومی واقعی، مجمع عمومی دموکراتیک و فراگیر راه حل است. حتی در شرایط عادی و در مبارزه هر روزه کارگری نیز ما بر مجمع عمومی منظم بعنوان بهترین شکل دخالت توده کارگر تاکید میکردیم. حزب ما همیشه شوراها را بهترین شکل تشکل برای نمایندگی کردن توده کارگر میدانسته است. دلیل که شورا بر مجمع عمومی متکی است. در شرایط انقلابی این ضرورت و مطلوبیت ده چندان میشود.

خلاصه کنم: حزب ما شوراها را هم بعنوان ابزار مبارزه روزمره کارگران در شرایط عادی جامعه، و هم بعنوان پایه های حکومت در حکومت کارگری مطرح و تئوریزه کرده است. اما تجربه امروز پدیده سومی است که گرچه از هر دو متفاوت است اما در واقع بنوعی برآیند و نمود دو جایگاه فوق است. شوراهاى امروز ناشی از این باور عمومی در میان کارگران و به تبع آن در کل جنبش سرنگونی

یک سال پس از خیزش دی ماه ۹۶

از صفحه ۱

اخیر سال اعتراضات گسترده و مقابله هرروزه با تعرضات حکومت و کارفرمایان و صاحبان و مدیران بخش خصوصی و دولتی بوده است. روزی نیست که شاهد چندین اعتراض و تجمع و راهپیمایی و اعتصاب نباشیم. جامعه ایران دارد از اعتراض و اعتصاب و تجمعات حق طلبانه میجویش. ادامه خیزش دی ماه فقط امید به بهبود و تغییر را به جامعه بازنگرداند، بلکه چشم انداز واقعی يك تحول و يك دنیای بهتر را نیز عملاً مقابل همه مردم گشود و این را نشان داد که انقلاب آتی در ایران بدون شك انقلابی است با اهداف انسانی، برابری طلبانه، ضد مذهب و ضد ستم و استثمار سرمایه داری.

این تحولات برای حزب کمونیست کارگری که در عین حال خود در ایجاد این فضا نقش مستقیم ایفا کرده است، يك پیشروی شورانگیز و امید بخش است. این تحولات در عین حال وظایف سنگین تر و حساس تری را برای رهبری این اعتراضات و این جنبش روی دوش این حزب قرار میدهد. جامعه ای که میخواهد خود را از زیر بار ستم خلاص کند و به چپاول و رانت خواری و فقر و گرانی و استثمار مفتخوران و حقوقهای نجومی و اعدام و زندان و یکه تازی مذهب و خودکامگی فردی پایان دهد، جز با هدایت و رهبری حزبی که فلسفه وجودیش را مبارزه در همین راستا تعریف و تعیین کرده است، نمیتواند خود را رها کند و به اهداف انسانی خود دست یابد. همه فعالین رادیکال جنبشهای اعتراضی باید خود را برای چنین انقلابی آماده کنند.

حزب کمونیست کارگری به همه کارگران و فعالین و رهبرانی که با فداکاری و از خود گذشتگی برای پیشروی این جنبش و ایجاد يك دنیای بهتر و يك جامعه انسانی مبارزه میکنند درود میفرستد و همه آنها را به پیوستن به این حزب فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۸ دی ۱۳۹۷، ۲۹ دسامبر ۲۰۱۸

است که بالائی ها نمیتوانند و امیدى به هیچ جناح حکومتی نیست. این باور عمومی که حکومتی ها راه حل و اقلی ندارند، دیگر نمیتوانند حکومت کنند و باید امور را خودمان در دست بگیریم. این جوهر شوراهائی که امروز مطرح است و این اساسا چالش سیاسی طبقه حاکم بر جامعه است. بهمین خاطر شورا يك ماهیت عمیق طبقاتی- پرولتری دارد که ممکن است حتی فعالین این جنبش بر آن آگاه نباشند و یا آنرا بر زبان نیاورند ولی معنای واقعی شورا در شرایط انقلابی چیزی جز این نیست.

کارگران در هفته ای که گذشت

از صفحه ۵

در بازداشت، برای خود وقت بخرد و اوضاع را به گونه ای آرام کند. از نیروهای امنیتی در محل شرکت حضور چشمگیری دارند و در همین اوضاع زمزمه واکناری گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به "قرارگاه خاتم الانبیا" قوت گرفته است.

از سوی دیگر کارگران کارگران گروه ملی فولاد اهواز اولتیماتوم داده اند که اگر تمامی همکارانشان تا يك هفته دیگر آزاد نشوند، دوباره به

اولین سالگرد خیزش ...

از صفحه ۴

سرمایه دار را نمیخواهد، جامعه ای که زندان نمیخواهد، اعدام نمیخواهد و یکه تازی مذهب را نمیخواهد، فقط يك حزب هست که در تمام دوران زندگیش از همه اینها دفاع کرده و همین ها را به وسط جامعه برده و فلسفه وجودیش همین ها بوده که جامعه ای بسازیم که در آن زندان و سرکوب و مفتخوران سرمایه دار حاکم نباشند. این حزب باید عملاً و روزمره به رهبر اعتراضات تبدیل شود. از این هنوز فاصله داریم.

کیوان جاوید: برسیم به حزب. ۹۶ شد حزب فراخوانش را نداد. کارگران اعتصاب کردند حزب فراخوان نداد. حزب این کار را نکرد که بگوید فلان روز در فلان کارخانه دست به اعتصاب بزنید. چرا این نقش تاریخی را با این برجستگی شما برای حزب قائل

جنبش اشغال در آمریکا صریحا شعار میداد نه وال استریت، نه کنگره و نه ارتش. یعنی نفی همه ماشین دولتی مافوق مردم.

این قرار میخواست این تبیین را بمیان فعالین جنبش شورایی در ایران رواج بدهد. چون اگر کارگران تبیین و انتظار و توقع اشتباه و غیر واقعی داشته باشند سر خواهند خورد و نومید خواهند شد. نظیر تجربه آرژانتین که شوراها کارخانه ها را بدست گرفتند و ورشکست شدند. باید با گفتمان و جنبش "اداره شورایی" حکومت را بجانش کشید و

میدان خواهند آمد.

حفظ اتحاد کارگران گروه ملی فولاد اهواز با اتکاء به مجمع عمومی شان که همواره يك نقطه قوت مبارزات آنها بوده است، حضور فعال خانواده ها و ادامه قدرتمند همبستگی با مبارزات این کارگران در سطح جامعه ضرورت های حیاتی این دوره از مبارزات کارگران گروه ملی فولاد اهواز است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز را نباید تنها گذاشت.

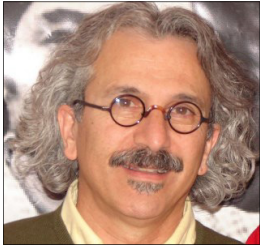
خواستار تصرف قدرت سیاسی شد. اینجاست که نقش حزب ضروری و برجسته میشود. همانطور که در قرار هم گفته شده چالش سیاسی حکومت بوسیله شوراها با خلق يد سیاسی از دولت بوسیله حزب طبقاتی کارگران بفرجام خواهد رسید.

اینها اجزاء مختلف نظر و تبیین ما از شوراها است و موظفیم این نکات را به شکل قطعنامه ای رو به جامعه اعلام کنیم، باز کنیم و توضیح بدهیم.

تجمعات پی در پی خانواده های کارگران بازداشتی و همراهی کارگران با آنها برای پیگیری آزادی آنان و وجود يك همبستگی وسیع اجتماعی با مبارزات کارگران گروه ملی که انعکاسش را در مبارزات معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و بخش های مختلف جامعه در همین مدت شاهد بودیم، يك فاکتور مهم در آزادی تعدادی از بازداشت شدگان بوده است. با همین قدرت و با گسترش این همبستگی باید تلاش کنیم تمامی بازداشت شدگان گروه ملی فولاد اهواز آزاد شوند.

احزابی بوده اند که نشسته اند فکر کرده اند برنامه داده اند و این گفتمان ها رابه میان جامعه برده اند. بنابراین دخالت جدی این حزب مهم است. اینکه خود کارگران و مردم میتوانند این تحولات را ایجاد کنند. بله میتوانند بشرطی که رهبری روشنی داشته باشند. و حزب یعنی این رهبری. حزب یعنی کارگران آگاه به منافع طبقاتی خود. یعنی کارگران آگاهی که امثال اسماعیل بخشی رهبران اعتراضاتش هستند و سازمان و حزب سراسری هم حزب کمونیست کارگری است. حزبی که میخواهد اداره شورایی را بر جامعه حاکم کند و میخواهد استثمار نباشد، میخواهد سرمایه داری نباشد. بدون چنین حزبی در میان کارگران و مردم تشمت و پراکندگی و تفرقه ایجاد میشود. نقش رهبری چنین حزبی لازم است و حیاتی است و ما تلاش میکنیم این نقش را ایفا کنیم. کیوان جاوید: با تشکر از شما.

پرسش از علی جوادی: خروج آمریکا از سوریه، دلایل و پی آمدها



با شکست همراه هست. و این سرنوشت تراژیک ناسیونالیسم کرد است. ارتجاع اسلامی ترکیه در بند و بست با دولت ترامپ نیروهای نظامی خود را به سوی مناطق کرد نشین گسیل داشته است. آیا میتوانند دست به یک کشتار و فاجعه خونین از مردم و نیروهای ناسیونالیست کرد بزنند؟ علیرغم نیت و سیاست استراتژیک ترکیه مبنی بر ایجاد منطقه حائل در کردستان سوریه، پیاده کردن چنین سیاستی در حالی که نیروی رقیب آمریکا یعنی روسیه دست بالا را در سوریه دارد، چندان محتمل بنظر نمیرسد.

وضعیت و موقعیت رژیم اسلامی در منطقه نیز دستخوش تغییرات بسیاری است. از یک طرف این نیرو ارزش مصرف خود برای روسیه را بمثابة نیروی پیاده نظام ناسیونالیسم بلند پرواز روس از دست داده است. از طرف دیگر به هر درجه که داعش و نیروهای تروریست زیر نگین آمریکا موقعیت شان تضعیف شود به همان درجه هم رژیم اسلامی و نیروی نظامی بی مصرف میشود. در این چهارچوب دولت ارتجاعی اسرائیل این موقعیت را فرصت مناسبی برای وارد کردن ضربات گسترده بر نیروهای رژیم اسلامی به حساب آورده است. روسیه نیز خواهان یکسره کردن وضعیت سوریه در قلمرو حوزه نفوذ خود است. سیاستی که با خروج نیروهای نظامی آمریکا و همچنین نیروی نظامی رژیم اسلامی رسمیت پیدا میکند.

نیروهای نظامی آمریکا از سوریه خارج میشوند، اما خاورمیانه کماکان سرزمین کشمکشها و جدالهای دهشتناکی است که بر بالای سر این منطقه قرار گرفته است. این منطقه روی آرامش و صلح و آزادی را به خود نخواهد دید تا زمانی که نیروهای تروریست اسلامی و ارتجاع عرب و اسرائیل و دولتهای امپریالیستی صحنه گردان تحولات هستند.

شکل گرفته است. در این دوره مساله فلسطین که مانع اصلی ای در نزدیکی ارتجاع عرب با ارتجاع سرکوبگر اسرائیل بود، به درجات قابل ملاحظه ای حاشیه ای شده است.

اما پی آمدهای چنین سیاستی کدامند؟ در پاسخ باید به موقعیت رژیم اسلامی در سوریه و منطقه، وضعیت نیروهای ناسیونالیست کرد و خطری که نهاجم ارتجاع اسلامی ترکیه بالای سر آنها قرار داده است و همچنین آرایش سیاسی و نظامی آمریکا در منطقه اشاراتی کرد.

یک پی آمد تعیین کننده چنین چرخشی در سیاست منطقه ای آمریکا تمرکز آرایش سیاسی و نظامی هیات حاکمه کنونی این کشور در تقابل با حکومت اسلامی در منطقه است. تقابلی مستقیم تر و بیش از هر زمان رو در رو تر. واقعیت خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه و همچنین تقلیل ۵۰ درصدی نیروهای آمریکا در افغانستان و حضور ناو هواپیما بر آمریکا در آبهای خلیج نشانه تمرکز نیروهای نظامی آمریکا در مواجهه های احتمالی آتی آمریکا با رژیم اسلامی ایران است. حداقل چنین آرایش نظامی را از هم اکنون به خود گرفته اند. خروج این نیروها در عین حال به معنای خارج شدن از ضرب حملات احتمالی نیروهای رژیم اسلامی نیز هست. خبرگزاری فوق دست راستی و پرو ترامپ نیز اشارات روشنی به این سیاست هیات حاکمه آمریکا داشته است.

موقعیت نیروهای حاکم در مناطق کرد نشین یکی از عواقب تلخ سیاست اتکاء به دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی منطقه توسط نیروهای ناسیونالیست کرد است. آمریکا به کردها پشت کرد" بار دیگر از زبان نیروهای ناسیونالیست که همواره به شکافهای منطقه ای تکیه کرده اند، جاری شد. گویی هیات حاکمه آمریکا تعهدی به این نیروها در قبال سرنوشت شان سپرده است. بار دیگر نشان داده شده که ناسیونالیسم کرد بازبچه کشمکشهای ارتجاعی منطقه و نه برنده آن است. عشق يك طرفه همواره

در سیاست آمریکا در منطقه است. این استراتژی شباهت زیادی به سیاست آمریکا در منطقه در دوران قبل از "انقلاب ۵۷" دارد. در آن زمان سیاست حضور آمریکا و تامین مصالح عمومی بلوک غرب، عمدتاً بر پایه نزدیکی و تکیه همه جانبه سیاسی، امنیتی و دیپلماتیک بر کشورهای معینی در منطقه استوار بود. به اعتباری نقش ژاندارمی در منطقه به عهده دولتهای قابل اتکاء منطقه، اسرائیل و شاه، سپرده شده بود. آمریکا حضور نظامی "مستقل" و همه جانبه ای در منطقه نداشت. بیش از ۴۰ هزار مستشار نظامی در ایران این وظیفه را عهده دار بودند. دکترین نیکسون بر این چهارچوب استوار بود. اما با سقوط حکومت شاه و همچنین با سقوط بلوک شرق، که همزمان با افول و زوال سیاسی بلوک غرب نیز همراه بود، استراتژی حضور نظامی مستقیم در دستور قرار گرفت. افول سیاسی بلوک غرب و پایان دوره جهان دو قطبی، در عین حال همزمان بود با تلاش خونین آمریکا برای شکل دادن به "نظم نوین جهانی" نظمی که طلوع خونین اش به قول منصور حکمت با حمله و لشکر کشی به عراق آغاز شد. این دوره به درجات زیادی تا اواسط دوران زمامداری اوپاما در راس هیات حاکمه آمریکا به طول انجامید.

به این فاکتورها باید امتیاز دادن به ارتجاع اسلامی ترکیه بمنظور حفظ این نیرو در نزدیکی بیشتر با آمریکا را نیز اضافه کرد.

سوت پایان رسمی این دوره و تلاش برای تغییر سیاست منطقه ای آمریکا را ترامپ، با تمام اغتشاشات فکری و سیاسی ای که این شارلاتان سیاسی با خود دارد، زد. در این دوره پیشبرد منافع و مصالح آمریکا در سطح منطقه هرچه بیشتر به عهده کشورها و بلوکهای منطقه ای سپرده خواهد شد. "هزینه" پیشبرد این استراتژی نیز بخشا بر دوش بورژوازی این کشورها خواهد بود. با این تفاوت که جانشین حکومت شاه فعلاً حکومت عشیره ای عربستان و کل "اتلاف عربی" است که به زعامت این کشور

اخیر در سطح جهان ارزیابی کرد. واقعیت این است که آمریکا در سوریه نتوانست به اهداف اعلام شده خود مبتنی بر تغییر رژیم جنایتکار بشار اسد یا نابودی داعش دست پیدا کند. داعش مسلماً ضربات سنگینی خورد، حوزه و دامنه نفوذش بسیار محدود شد، اما نابود نشد. کماکان بخشی از واقعیت سیاهی است که در سوریه حاکم است. از طرف دیگر این واقعیت که دولت بشار اسد در هر صورت يك واقعیت تغییر نیافته در این شرایط و بر مبنای توازن قوای موجود و درگیر در این کشمکش خونین است، حتی برای دولت اوپاما هم کم و بیش امری پذیرفته شده بود. شکست نشستهای متعدد در ژنو برای شکل دادن به آلترناتیو پرو غربی، گوشه ای از این واقعیت سیاسی است.

خروج لشکر دو هزار نفره آمریکا از سوریه، مستقل از هر تبلیغات سیاسی، در درجه اول نشان پذیرش این واقعیت نظامی و سیاسی است. آمریکا در سوریه به اهداف خود دست پیدا نکرد. جنگی که بر متن شکست خیزش توده های مردم علیه دیکتاتوری بشار اسد شکل گرفته بود و آمریکا و متحدین جهانی و منطقه ای اش يك سوی آن بودند، ثمره ای جز خانه خرابی، ویرانی و نابودی زندگی صدها هزار انسان بی گناه و آوارگی نسلی از مردم نداشت. دولت بشار اسد و متحدین اش یعنی روسیه و به درجاتی جمهوری اسلامی توانستند موقعیت خود را در این منطقه حفظ کنند. اما این موقعیت برای حکومت اسلامی نه تنها به معنای پیروزی نیست بلکه نشان آغاز مصافها و کشمکشهای پیچیده تری در دور آتی است. فشار دولت روسیه بر حکومت اسلامی مبتنی بر خروج نیروهایش از سوریه گوشه ای از این معادله است.

از طرف دیگر و شاید مهمتر، این اقدام را باید در بستر استراتژی عمومی آمریکا در دوره حاضر تبیین کرد. بسیاری از شواهد و سیاستهای اعلام شده از جمله این سیاست ترامپ که "آمریکا ژاندارم منطقه نیست" به معنای يك تغییر

تصمیم دونالد ترامپ مبنی بر خروج نیروهای نظامی آمریکا از سوریه با موجی از واکنش های متفاوت روبرو شده است. متحدین آمریکا از این تصمیم ناخوشنودند. در مقابل برخی از دولت ها و نیروها در گیر در مناقشات منطقه ای از آن استقبال کرده اند. متحدین اروپایی آمریکا مثل ماکرون نارضایتی خود از این تصمیم را اعلام کرده اند، چامسکی این تصمیم را به فال نیک گرفته است اما میگوید آمریکا پشت نیروهای کرد را خالی کرده است. اردوغان اگر چه این تصمیم را غافلگیرکننده دانسته در عین حال از آن خشنود است و گفته است که امر مبارزه با داعش را خود در غیاب آمریکا بر عهده خواهد گرفت. ترامپ خود در این رابطه گفته است که «زمان ورود دیگران به میدان فرا رسیده است و روسیه، ایران و ترکیه هستند که باید با داعش بجنگند». «نظر علی جوادی را در این رابطه جویا میشویم. بنظر شما در پشت پرده این تصمیم چه معاملاتی صورت گرفته است و علت خروج آمریکا از سوریه چیست و چه پیامدهایی را در پی خواهد داشت؟»

علی جوادی: خروج آمریکا از سوریه اقدامی بر خلاف ظاهر آن و بر خلاف ادعای رسانه های رسمی دول غربی اقدامی غیر مترقبه و یا بدون پیشینه سیاسی و یا غرض رعد در آسمان بی ابری نبوده است. رسانه های بستر رسمی تصویری واقعی و مسلماً تمام حقیقت را در این زمینه بیان نمیکند. ارزیابی هایشان در پرده ای از منافع سیاسی و کشمکشهای میان جناحهای مختلف هیات حاکمه آمریکا و دولتهای دیگر پوشیده شده است. به این اعتبار برای بی بردن به حقیقت این واقعه باید از این ارزیابی ها دور شد. از طرف دیگر این الوقت بودن یا معامله گری بقال منشانه ترامپ تنها گوشه کوچکی از فاکتورهای دخیل در اتخاذ این سیاست است. این اقدام را باید از يك طرف بر متن موقعیت نیروهای آمریکا در سوریه و منطقه و از طرف دیگر در راستای استراتژی عمومی این کشور در دوره

به یاد جانبختگان اعتراضات دیماه سال ۹۶ شما تپش انقلاب مردم ایران برای رهایی هستیید

حسن صالحی

تورا خوب به یاد دارم، «سینا»؛ آن زمان که فقط ۱۶ سال داشتی و پدر را از دست دادی. چقدر از مرگ پدر ناراحت شدی. در حلقه محبت مادر درس را ادامه دادی و دیپلمت را گرفتی. با گرفتن دیپلم مجال زیادی برای ادامه تحصیل نداشتی. به دنبال کار دویینی تا چرخ زندگی خود و مادر را بچرخانی. مثل آقا زاده ها «ژن برتر» «زودی و نشستن سر سفره چپاول را نداشتی که از کار کردن بی نیاز باشی. از عطر فروشی تا لباس فروشی و کارهای دیگر را تجربه کردی. هرچه بود «نان زحمت» خود را می خوردی و مثل آخوندها به شغل ناشریف مفتخوری آلوده نبودی. خوب به خاطر دارم که یکی از آرزوهایت تشکیل خانواده بود؛ دوست داشتی پدر شوی و به فرزندان یا همه وجود محبت کنی. به یاد دارم سینا؛ آن روز که در خیابان، فریاد آزادی و «منزلت انسانی» را سر دادی و در یکی از روزهای دی ماه دستگیر شدی! در زندان، اوپاش اسلامی تو را

زیر کتک گرفتند و به تو قرص خوراندند. گفته بودی: «فردا، جشن تولد بیست و دو سالگی ام است و می خواهم آزاد شوم» اما نگذاشتند که بهار دیگری را تجربه کنی؛ جان عزیزت را با بی رحمی تمام گرفتند... «سینا»، «وحید»، «سارو»، «کیانوش»، «علی»، «آرمین»، «احمد» و... ما شما را خوب بیاد می آوریم؛ شما نه معناد بودید نه تحریک شده سازمان سیا و موساد، نه آشغال بودید و نه خس و خاشاک. دشمنان مردم اینطور در مورد شما حرف می زدند. از ترس شان است؛ ترس از جسارتی که در دل شما غلیبان کرد و به فریاد رسید؛ ترس از سماجت شما در گرفتن حق؛ ترس از عاقبت هراسناکی که در انتظارشان نشستند؛ با انکار شما ره به جایی نمی برند. چرا که ما (و حتی آنها در خلوت خود) شما را خوب می شناسیم. شما «فریاد آزادیخواهی مردم ایران» علیه «استبداد دینی» هستید. شما نماینده «شورش گرسنگان» علیه «مفتخوران اسلامی» هستید. شما نماد «نه همه مردم ایران به دار و دسته های

حکومت هستید. شما آبرو و شرف مردم ایران در مقابل رذالت و بی شرمی حاکمان هستید. شما یار و همراه «دخترخیابان انقلاب» برای لغو حجاب اجباری و تبعیض جنسیتی هستید. شما فریادی برآمده از اعماق جامعه ایران برای تغییر هستید. دشمنان مردم به ریختن خون شما افتخار می کنند و کشتار شما را نشانه قهرمانی می دانند. اما شما قهرمانان واقعی این صحنه هستید. شما به ستارگان پیوستید. شما تپش انقلاب مردم ایران برای رهایی هستید.

به یاد شما می خوانیم، به یاد شما می جنگیم، به یاد شما به مبارزه برای زندگی بهتر ادامه خواهیم داد. پیام و صدای شما همچون کبوتری بال می کشاید و گسترده تر خواهد شد. «تسیم آزادی» به وزش در آمده تا تلخکامی ها را با خود ببرد، تا آریابان سیه روزی را از تاج و تخت براندازد، تا آشغال های واقعی را به «زباله دان تاریخ» بسپارد و نوای عشق و آزادی و انسانیت را در سراسر ایران به صدا در آورد.

فروپاشی نظام از درون، از زبان نزدیکترین خودی ها!

آرش دشتی

سال هاست که جمهوری اسلامی و همپالکی هایش در داخل و خارج به تکاپو افتاده اند تا شاید راه فراری برای رژیم و سران جنایتکارش دست و پا کنند. بخشی از رژیم که زیر پتر ولایت فقیه، هنوز خواب ماندن بر سریر قدرت را می بیند، با تکیه بر سرکوب، خود را ماندنی می داند و علیرغم ضعف و فتوری که در پایه های موربانه خورده ی حکومتش احساس می کند، خودش را به نمی دانم می زند. اما شرکای دیروزش یعنی اصلاحاتچی ها و حتی بعضی چهره های دور و نزدیکش دیگر بوق پایان این قطار را به صدا درآورده اند؛ مثل فایزه هاشمی دختر رفسنجانی که فروپاشی محتوایی رژیم را اعلام کرده است. سعید حجابیان مغز

متفکر اصلاحات اخیرا به روزنامه شرق گفته است: «اصلاح طلبان فعلا روی لبه ی تیغ راه می روند که به قول معروف از مو باریک تر و از شمشیر تیزتر و لهیب آتش هم از پایین شعله می کشد». روایت حجابیان از این نظر مهم است که اولاً؛ واقع بینانه است چرا که تصویر دقیق و درستی از اوضاع کنونی به دست می دهد و در ثانی این تصویر، کادرس از قاب جریان شکست خورده ی اصلاحات بیرون می زند و وصف الحال رژیم است که کشتی اش به گل نشسته است. تعبیر جالب «لهیب آتش از پایین»، در حقیقت همان آتش خشم توده های دست از جان شسته است که از دیماه ۹۶ در خیابان است و زندگی به گروگان گرفته شده اش را می خواهد. حجابیان در ادامه می گوید: «

در این شرایط دشوار، پیدا کردن راه فرار بسیار سخت است». این تحلیل گر جمهوری اسلامی دنبال راه نجات برای رژیم نیست، بلکه بدنبال را فرار است، بدنبال سوراخ موش میگردد. و اظهارات جالبتر دیگر اینکده: حسن خمینی، نوه روح الله خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی جمعه ش (هفتم دیماه) در سخنانی در مسجد جماران با بیان اینکده «زیربنای یک جامعه احساس رضایت مردم است»، گفت: «هیچ تضمینی وجود ندارد که ما بمانیم و دیگران بروند». نه به جمهوری اسلامی، فراگیرتر از این است و هیچ معجزه ای نمی تواند این رژیم را از ورطه ی سقوط نجات دهد. دور نیست که دست توانای مردم معترض آخرین میخ را بر تابوت این جنازه بکوبند.

اطلاعیه شماره ۲ کمیته آذربایجان تعرض به معیشت کارگران کشت و صنعت مغان به نام خصوصی سازی! کارگران باید در مقابل هر گونه تعرض به معیشتشان اعتراض کنند!

جریان خصوصی سازیها اعتراضات زیادی کرده اند و هر بار فوراً مقامات استانداری و امنیتی و امام جمعه ها و خود کارفرماها از ترس گسترش اعتراضها به کارگران وعده داده اند. وعدههایی که همیشه توخالی بوده است و فقط و فقط برای به خانه فرستادن کارگران بوده است.

کارگران کشت و صنعت مغان میتوانند و باید از این تجربه ها بیاموزند. به وعده های توخالی مقامات حکومتی نباید اعتماد کنند که حامیان کارفرما هستند و نه کارگرا.

کارگران در مقابل تعرض به زندگیشان فقط و فقط یک راه دارند. اعتصاب و اعتراض. هر چه اعتصاب و اعتراضشان قویتر باشد همانقدر قادر خواهند شد دولت و کارفرما را مجبور کنند در مقابل خواست کارگران تسلیم شوند.

کارگران معترض کشت و صنعت مغان، تجربه کارگران دیگر از جمله نیشکر هفت تپه را دارند که برای پیروزیشان در اعتراض بحقشان میتوانند از آن بیاموزند.

مهمترین ابتکاراتی که کارگران کشت و صنعت هفت تپه بکار بردند و میتوانند راهنمای کارگران کشت و صنعت مغان باشند:

در محل کشت و صنعت جمع شوید و نمایندگان مورد اعتماد خود را انتخاب کنید. نمایندگان که اعتراضتان را سازمان بدهند.

جمع شوید و خواسته هایتان را خیلی روشن تنظیم کنید. خواستههایی که دستمزد مکفی، قراردادهای ثابت، امنیت شغلی فقط چند نمونه از آنهاست.

از خانواده هایتان در اعتراض بحقتان کمک بگیرید. هر تغییری در کشت و صنعت مغان فوراً زندگی خانواده هایتان را تحت تاثیر قرار میدهد. مثل اعتراض کارگران کشت

هفته گذشته اعلام شد کشت و صنعت مغان توسط سازمان خصوصی سازی به سرمایه داری به نام یونس ژانله وگذار خواهد شد و مقامات حکومت در محل مثل استاندار و دادستان و امام جمعه هم که ریششان چرب شده است از معامله راضی هستند!

یونس ژانله، صاحب کارخانه "شیرین عسل"، سرمایه داری است که همین الان از قبل دسترنج ۱۵۰۰۰ کارگر ثروت نجومی بهم زده است. ایشان قبلاً پرونده یورش به اعتصاب کارگران "شیرین عسل" با توسل به نیروهای ضدشورش را زیر بغل دارد.

کشت و صنعت مغان ۱۵۰۰۰ کارگر داشت. در همین دوره مالکیت و مدیریت دولت بر این مجتمع صنعتی و در سایه سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی، نزدیک ۱۰۰۰۰ از این کارگران بیکار شده

اند و در شرایط بسیار اسفناکی زندگی میکنند.

با انتقال مالکیت و مدیریت کشت و صنعت مغان به یونس ژانله، یکی از آقا زاده های حکومت اسلامی، تعرض بیشتری به معیشت و حقوق کارگران کشت و صنعت مغان تدارک دیده میشود. همانطور که در سایر واگزارها تحت نام خصوصی سازیها مثل کشت و صنعت نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز تجربه شده است.

کارگران کشت و صنعت مغان خیلی سریع در مقابل این اتفاق واکنش نشان دادند. در روز متوالی در مقابل محل حضور کارفرمای جدید و دفتر مرکزی کشت و صنعت تجمع کردند به دولت و کارفرمای جدید اعتراض کردند. فرماندار مجبور شد در میان کارگران ظاهر شود و وعده و وعید بدهد که به خواست کارگران رسیدگی خواهد کرد.

کارگران معترض در ایران در

دانشجویان و مردم در اعتراض به کشته شدن دانشجویان در فاجعه واژگونی اتوبوس فرسوده دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات و با خواست استعفا و محاکمه مسئولین از جمله ولایتی دست به تجمع زدند

روز شنبه ۸ دی ۱۳۹۷ ساعت ده صبح مقابل دانشگاه علوم تحقیقات طی فراخوان قبلی، تجمع اعتراضی وسیعی متشکل از دانشجویان، والدین و مردم در اعتراض به کشته و زخمی شدن و صدمه دیدن تعدادی از دانشجویان سرشنین اتوبوس فرسوده و واژگون شده دانشگاه با خواست برکناری و محاکمه مسئولین از جمله ولایتی ریاست دانشگاه آزاد، برگزار کردند. والدین دانشجویان جان باختار به خصوص مادران، در میان تجمع کنندگان حضور داشتند و مادر یکی از کشته شدگان در سخنانی اعتراضی، به سیاستهای بحرانا و امنیتی و عدم امنیت جانی دانشجویان در دانشگاه اشاره کرد. تجمع کنندگان اعلام کردند تا مسئولان حضور پیدا نکنند همچنان به تجمع خود ادامه می دهند و دانشجویان نیز با سرود اعتراضی « یار دیستانی » « شعارهای دانشجویی می میرد ذلت نمی پذیرد »، ولایتی استعفا استعفا، «مسئول بی لیاقت محاکمه محاکمه»، «تنگ ما ننگ ما صدا و سیمای ما»، فضا را هر چه اعتراضی تر پیش می برند. تجمع کنندگان در ادامه اعتراض خود به عدم حضور پاسخگویی مسئولان، قصد ورود به ساختمان دانشکده علوم انسانی و محل دفاتر مسئولان دانشگاه داشتند که نیروهای حراست در ساختمان مربوطه را قفل نموده و از ورود دانشجویان و معترضان جلوگیری کردند که تجمع کنندگان اقدام به هو کردن نیروهای حراست کردند و به تلاش خود برای ورود به ساختمان ادامه دادند. در تجمع امروز با حضور خانواده کشته شدگان و مشخصا حضور زنان و مادران دانشجویان جانباخته، تعدادی از مادران به سخنرانی اعتراضی پرداختند و خواهان ایستادگی و حمایت دانشجویان از والدین حق خواه شدند و دانشجویان با فریاد «می ایستیم می ایستیم، حقتو پس میگیریم» نیز حمایت خود را اعلام

نمودند. همچنین دانشجویان در اعتراض به دید کالایی و رعیت وار حکومت اسلامی سرمایه داران، به دانشجویان سخنرانی کردند. به یاد دانشجوی جان باخته نیلوفر رادمهر، دانشجویان بین جمعیت گل رز پخش کردند. در بین تجمع کنندگان شاهد حضور بیحجاب در تجمع اعتراضی بودیم که این خود نشانه اعتراض به جمهوری اسلامی و بالا رفتن روحیه مبارزاتی جامعه بخصوص زنان است. در ادامه دانشجویان طی بیانیه ای خواسته های خود را در ۹ بند ارائه داده اند:

- ۱- درخواست استعفا و عذرخواهی سرپرست واحد علوم و تحقیقات و رئیس دانشگاه آزاد
- ۲- عذرخواهی رسمی در تریبون رسمی توسط سرپرست واحد و رئیس دانشگاه
- ۳- ساخت یادبود به منظور فراموش نشدن چنین فجایعی برای عزیزان از دست رفته
- ۴- استقرار همیشگی اورژانس در محل دانشگاه
- ۵- نوسازی ناوگان اتوبوسرانی و تعیین سرعت مجاز و نصب برکه معاینه فنی در اتوبوس و بررسی آن در بازه های زمانی کوتاه و استخدام راننده های با صلاحیت
- ۶- ساخت حفاظ برای جلوگیری از ریزش کوه و نصب گاردیل در طول مسیر.
- ۷- رایگان شدن یا حداقل کم شدن هزینه آژانس ها تا هنگامی که نوسازی ناوگان و حفاظت مسیرهها تامین شود.
- ۸- نظارت بهداشتی مداوم بر بوفه ها و راه اندازی بوفه سرپوشیده ابن سینا.
- ۹- تعویق امتحانات به دلیل مناسب نبودن اوضاع روحی دانشجویان..

طبق اخبار دریافتی در دیگر دانشگاه ها و مشخصا دانشگاه علامه، دانشجویان در همبستگی با این اعتراض درصدد برگزاری تجمع اعتراضی بوده اند طبق گزارشات رسیده قرار است این تجمع در روزهای

آتی نیز برگزار شود.

بر اثر حادثه واژگون شدن یک اتوبوس حامل دانشجویان در محوطه دانشگاه آزاد، واحد علوم و تحقیقات در تهران، که روز سه شنبه چهارم دیماه ۱۳۹۷ رخ داد، ده دانشجو جان خود را از دست داده اند و ده ها دانشجو دچار مصدومیت جدی شده اند. این حادثه، خانواده ها و دوستان و نزدیکان زیادی را داغدار و نگران حال عزیزان آسیب دیده شان کرد. ساعتی بعد از فاجعه، معاون فرهنگی دانشگاه مدعی شد که وقوع این حادثه به دلیل سکتته راننده این اتوبوس بوده است که این اظهارات طبق معمول همیشه چیزی جز پاک کردن صورت مساله و فرار از زیر با مسئولیت نبود. در حالیکه دانشجویان زیادی به عنوان شاهدان عینی دلیل این فاجعه را بریدن ترمز اتوبوس فرسوده ذکر کرده اند. همچنین در گزارشات شهادت عینی آمده است که، امدادسانی به اتوبوس واژگون شده بسیار کند و همراه با فوت وقت انجام شد، اما اعزام نیروهای ضد شورش به محل حادثه بسیار سریع بوده است که گواه از نگرانی حکومت اسلامی از شکل گیری تجمع اعتراضی بوده است. همچنین در گزارشات آمده بود که مسئولین دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات روز چهارشنبه پنجم دی را تعطیل اعلام کردند تا از تجمع دانشجویان جلوگیری بعمل بیاید، اما دانشجویان مقابل

اطلاعیه شماره ۲ کمیته ...

از صفحه ۸

و صنعت هفت تپه، خانواده هایبان میتوانند در اعتراضات شرکت کنند و اعتراضات را قدرتمندتر کنند. از مردم شهر پارس آباد بخواهید از شما حمایت کنند. زندگی مردم پارس آباد و منطقه مغان از اتفاقات کشت و صنعت مغان متاثر بوده است و خواهد بود. حمایت مردم از شما اعتراضات را آنچنان قدرتمند خواهد کرد که مقامات حکومتی مجبور خواهند شد تسلیم شوند.

درب ورودی دانشگاه در اعتراض به ناامن بودن وسایل حمل و نقل دانشجویان دست به تجمع اعتراضی زدند و به یاد دانشجویان کشته شده شمع روشن کردند. طی سالیهای اخیر فجایع زیادی از این دست چه در دانشگاه ها، چه در اردوهای دانشجویی، دانش آموزی و سرایزی، جان بسیاری از جوانان و نوجوانان و کودکان را گرفته است که مخرج مشترک همه آنها نقص فنی اتوبوسها و مینی بوس ها و به کار گرفتن وسایل حمل و نقل عمومی فرسوده بوده است. همه این فجایع در یک بستر اصلی رخ می دهد و آن بستر چیزی نیست جز مافیای اقتصادی جمهوری اسلامی که جان انسان در آن ارزشی ندارد. بودجه ای که باید در دانشگاه ها برای مواردی نظیر ایمنی و سلامت جانی دانشجویان استفاده شود با دزدی و رانت خواری گسترده مسئولین دانشگاهی از این چرخه جدا میشود. دانشگاه آزاد سالانه درآمد هنگفتی از راه شهریه های دانشجویان دریافت میکند اما آن مبالغ هنگفت را به جیبهای گشاد سرمایه داران و مافیای اقتصادی موجود در آموزش عالی واریز میکند.

سازمان جوانان کمونیست اعلام میکند مسئول مستقیم این فاجعه جمهوری اسلامی است و این حکومت را به دلیل کشته شدن ده دانشجو و مصدوم شدن ده ها دانشجوی دیگر از هر لحظه اعتراضات عکس و ویدیو کلیپ تهیه کنید تا بقیه کارگران در منطقه و ایران و دنیا از اعتراضات با خبر شوند. کارگران هفت تپه توانستند با این کار همبستگی سایر کارگران، معلمان و دانشجویان و کسبه در شهر شوش و مردم در سایر نقاط ایران و اتحادیه های کارگری در جهان را جلب کنند. هر قدر اعتراض بحق شما در مقابل چشمان کارگران و مردم معترض ایران و جهان پیش برود، همانقدر دست حکومت اسلامی در مقابله با شما بسته تر خواهد بود.

محکوم میکنند. ما از همه دانشجویان در تهران و سراسر کشور و مردم منطقه دعوت به پیوستن به صف اعتراضی دانشجویان می نمایم و قویا اعلام می کنیم جمهوری اسلامی و باندها و نهادهای زیر مجموعه اش، مسئول مستقیم کشته شدن دانشجویان و وقایع اینچنینی هستند. باید به این حکومت و دولتش با تمام قوا اعتراض کرد و خواست "تامین امنیت حمل و نقل دانشجویان، دانش آموزان، نوجوانان، کودکان و همه شهروندان" را به یک خواست فوری و همگانی تبدیل کرد. در این بین دانشجویان قطعاً می توانند نقش موثری داشته باشند و لازم است با تشکیل شوراها و سازماندهی تجمعات اعتراضی منسجم تر و متشکل تر به مسبب این فاجعه، در دانشگاههای سراسر کشور اعتراض کنند و خواست فوری تضمین امنیت جانی همه دانشجویان و شهروندان را در تجمعات خود اعلام کنند.

جمهوری اسلامی سرنگون سرنگون امنیت، سلامت حق مسلم ماست
زنده باد آزادی، برابری، زنده باد
سوسیالیسم

سازمان جوانان کمونیست
۵ دی ۱۳۹۷
۲۹ دسامبر ۲۰۱۸

کارگران کشت و صنعت مغان، تجربیات هم طبقه ای هایتان در سایر نقاط ایران را بکار بگیرید و در مقابل تعرض به حقوق و معیشتتان بایستید.
رمز پیروزی شما اعتصاب و اعتراض وسیعتر و همبستگی کارگران و مردم شریف منطقه، ایران و جهان است!
زنده باد اعتراض بحق کارگران کشت و صنعت مغان!
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۵ دی ۱۳۹۷ - ۲۹ دسامبر

تجمع دو هزار نفر از کشاورزان در اصفهان

کشاورزان به مأمورانی که با باتوم میخواستند جلوی ادامه تظاهرات را بگیرند، با سنگ پاسخ میدادند. در برابر حمله نیروی انتظامی مردم با شعار بیشرف، بیشرف و در جاهایی با پرتاب سنگ بسوی موتورسواران سرکوبگر مقابله میکردند. هر جایی هم که اقدام به دستگیری میشد با شعار ولش کن، ولش کن و درگیر شدن مانع میشدند. در این روز چند نفر بازداشت شدند که تعداد آنها روشن نیست.

یک موضوع مهم اعتراض کشاورزان عدم دریافت حق آبه است. به گفته آنان علیرغم وعده های داده شده حق آبه سال آبی ۹۶-۹۷ آنها هنوز پرداخت نشده است. اعتراض آنان در عین حال به اجرایی شدن طرح های غیر کارشناسی انتقال آب در اصفهان و نابودی زمین های کشاورزی که تنها ممر زندگی آنهاست، می باشد. خشک شدن زاینده رود و خشکسالی در این منطقه علاوه بر نابودی محصولات و زمین های زراعی هزاران کشاورز که هست و نیستشان را در بر میگیرد، زنگ خطر بی آبی در شهر اصفهان به صدا در آمده و تامین آب نوشیدنی برای پنج میلیون مردم ساکن این شهر زیر سوال رفته است.

حزب کمونیست کارگری از مبارزات کشاورزان و مردم اصفهان در دفاع از زندگی و معیشتشان و نگرانی از خطر بی آبی در این منطقه قاطعانه حمایت میکند. جمهوری اسلامی موظف است زندگی کشاورزان را که بدلیل بی آبی کشاورزی شان به نابودی کشیده شده است و از هر گونه تامین اجتماعی محرومند با استاندارد قابل قبولی تامین کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ دیماه ۱۳۹۷، ۳ ژانویه ۲۰۱۹

**به حزب کمونیست
کارگری ایران بپیوندید**

روز ۱۲ دیماه کشاورزان اصفهان برای یازدهمین روز و در پایان مهلت ۱۰ روزه ای که برای تأمین حق آبه خود به دولت داده بودند، در حوالی پل خواجوی اصفهان تجمع کردند. این تجمع از بستر خشک زاینده رود در مقابل پل خواجو آغاز شد و کشاورزان قصد داشتند به سمت سی و سه پل و استانداری حرکت کنند. در این روز نیروی انتظامی حضور وسیعی داشت و با پرتاب گاز اشک آور و شلیک هوایی تلاش کرد تجمع کنندگان را متفرق کند. تجمع کشاورزان در ضلع شمالی پل خواجو به درگیری با مأموران یگان ویژه پلیس انجامید. اما علیرغم اقدامات نیروهای سرکوب تجمع ادامه پیدا کرد و جمعیت به بیش از دو هزار نفر رسید و مردم بسیاری به صف کشاورزان معترض پیوستند. در این تجمع حضور زنان بسیار چشمگیر بود و یکی از زنان طی سخنانی فریاد زده و میگفت: "ما بدبخت شدیم، کشاورزان بدبخت شدند. دو جوان اخیرا در اثر فقر خودکشی کرده اند. زنان کشاورز دارند در شهر کلفتی می کنند و در خانه مردم کار می کنند..."

سپس جمعیت از پل خواجو بطرف استانداری اصفهان شروع به راهپیمایی کرده و شعار میدادند: "روحانی دروغگو زاینده رود ما کو"، "دشمن ما همین جاست الکی میگن امریکاست"، "می ایستیم میجنگیم دلت نمیپذیریم"، "می ایستیم می جنگیم حقا به را میگیریم"، "درد بر کشاورز، مرگ بر ستمگر"، "مردم دیگه بیدارن، از وعده ها بیزارن". "این همه بی عدالتی هرگز ندیده ملتت"، "ننگ ما، ننگ ما، صدا و سیمای ما"، "توپ تانک مسلسل، دیگر اثر ندارد". در این محل یگان ویژه مانع حرکت جمعیت شد. صف معترض

اعتراضات کارگران بخاطر تعویق پرداخت دستمزدها

تجمع اعتراضی کارگران لایروپ کار کوت عبدالله

روز نهم دیماه کارگران لایروپ کار کوت عبدالله در اعتراض به دیرکرد پرداخت چهارده ماهه مزد و حق بیمه خود دست به تجمع زدند. در این حرکت اعتراضی کارگران بنری در دست داشتند که بر رویش نوشته شده بود "ما کارگران ۱۴ ماه حقوق و بیمه معوقه داریم، مسئول کیست؟ تکالیف چیست؟" نپرداختن دستمزدها یک زورگویی و یک دزدی آشکار از سفره فقیرانه کارگران توسط مفتخوران سرمایه دار است و در سراسر کشور مورد خشم و اعتراض کارگران قرار دارد. روشن است که هرچه این اعتراضات بیشتر به هم پیوند یابد و متحدهانه تر پیش رود امکان عقب راندن مفتخوران برای کارگران بیشتر خواهد بود.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
پیش بسوی ایجاد شوراها
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ دی ۱۳۹۷، ۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

بیمه شان دست از کار کشیده و در محدوده داخلی ساختمان شهرداری تجمع کردند.

به گفته کارگران تعدادی از کارگران با سابقه شهرداری لوشان به دلیل پرداخت نشدن سهم بیمه مشاغل سخت و زیان آور از ماهها پیش منتظر صدور احکام بازنشستگی خود هستند.

تجمع اعتراضی کارگران کارخانه قند رستم

روز هشتم دی ماه کارگران کارخانه قند رستم فارس با پهن کردن سفره خالی برای چندمین بار مقابل فرمانداری تجمع کردند. این کارخانه در سال ۸۲ تعطیل شده و کارگران آن اخراج شده اند و ۵۰ ماه طلب مزدی آنها پرداخت نشده است. به عبارت روشنتر دستمزد این کارگران بالا کشیده شده و کسی پاسخگوی آنان نیست. در این تجمع کارگران پلاکاردی در دست داشتند که بر رویش نوشته شده بود "پنجاه ماه مطالبه حقوقی داریم!! چطور زندگی کنیم؟!"

کارگران شهرداری نیشابور در اعتراض به پیمانی شدن قرار دادهای کار

صبح روز نهم دیماه جمعی از کارگران خدماتی منطقه دو شهرداری نیشابور در اعتراض به پیمانی شدن قراردادهایشان برای چندمین روز دست به اعتراض زدند و مقابل ساختمان اداره کار شهر تجمع کردند. بنا بر گزارشات شهرداری نیشابور قرار است که قرارداد کار ۳۰۰ نفر از کارگران قرارداد مستقیم را به پیمانی تبدیل کند. این کارگران در روز گذشته در مقابل فرمانداری تجمع داشتند و در ساعت چهار نیم همان روز اعلام شد که اعضای شورای تامین فرمانداری جلسه ای برای مشخص شدن موضوع ترتیب میدهد اما عملا خبری از آنها نشد.

تجمع کارگران شهرداری نوشان در اعتراض به ۶ ماه موقوفات مزدی

صبح روز نهم دیماه ۸۰ کارگر شهرداری شهر لوشان، در اعتراض به تعویق پرداخت ۶ ماه دستمزد و حق

علیه دستگیری ها در شهرهای کردستان مقابله کنیم

ساکن روستای "رمک" از توابع سرپل ذهاب، ۲ دی ماه "امیر برکتی" ساکن ایلام، در اواخر آذرماه، چهار نفر با اتهام «همکاری با یکی از احزاب مخالف حکومت» در شهر پیرانشهر، ۲ دی ماه «جهانگیر محمودی» از نودشه از سوی نهادهای انتظامی و اداره اطلاعات بازداشت شدند.

مردم مبارز حکومت جنایتکار اسلامی با دستگیری فعالین زنان، کارگری و اجتماعی و با امنیتی و نظامی کردن شهرهای کردستان، عمق وحشت و ترس خود از اعتراضات شما را به نمایش گذاشته است. نهادهای حکومتی تظاهراتهای توده ای و با شکوه شما در شهر مریوان، سنندج، بانه، سقز، صفحه ۱۳

دلنیا صبوری و روژین ابراهیمی، دو فعال زن که همراه با چهار فعال دیگر ۱۲ مهر ۹۵ در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج با حکم یک سال حبس مواجه شده بودند، پس از صدور حکم تجدیدنظر به سه روز زندان محکوم شدند.

طی روزهای گذشته، مأموران امنیتی با یورش به منزل و یا محل کسب مردم ۹ نفر در شهرهای بوکان، بانه، سرپل ذهاب، ایلام و پیرانشهر، را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کرده اند.

در ۱ دی ماه، "سعید خاکی" در محل کسب خود در منطقه امیرآباد شهرستان بوکان، بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. ۲۹ آذر "عثمان فرجی" در بانه، ۲۸ آذر، "صابر خوشایند"

طبق گزارشهای منتشر شده، شنبه ۲۶ آبان ۱۳۹۷، شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج، فعال کارگری خلیل کریمی را بدلیل شرکت در "مراسم روز جهانی کارگر" و "همچنین" حمایت از کمپین نه به اعدام رامین حسین پناهی" به یک سال حبس تعزیری محکوم و این حکم را رسماً به وی ابلاغ کرد.

چهار فعال کارگری آرام محمدی، شاهر صادقی، مهرداد صبوری و امید احمدی معرفی که دلیل برگزاری مراسم روز جهانی کارگر سال ۱۳۹۵ در شهر کامیاران روانه زندان این شهر شدند. مهرداد صبوری و امید احمدی هر کدام به یک سال زندان تعزیری محکوم شده اند و شاهر صادقی و آرام محمدی هر یک به ۹۱ روز حبس محکوم شده اند.

استعفا و محاکمه مسئولین دانشگاه آزاد خواست فوری دانشجویان و خانواده ها در فاجعه واژگونی اتوبوس فرسوده دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات

یکشنبه نهم دی ۱۳۹۷، در دومین روز پیاپی و علیرغم تلاش نیروهای حراست و امنیتی برای جلوگیری از برگزاری تجمع، دانشجویان و خانواده ها بصورت گسترده و اعتراضی تجمع خود را برگزار کردند. دانشجویان بدنبال اعتراض گسترده خود در روز شنبه که با همراهی و حضور پررنگ خانواده و سخنرانی مادران دانشجویان کشته شده برگزار گردید خواهان برکناری و محاکمه مسببان فاجعه واژگونی اتوبوس فرسوده و مشخصا ولایتی ریاست دانشگاه آزاد شدند و با تنظیم يك طومار ۹ ماده ای مطالبات خود را دوباره اعلام کردند.

تجمع کنندگان با شعارهای « دانشجو می میرد ذلت نمی پذیرد»، «مسئول بی لیاقت محاکمه محاکمه» به اعتراض خود ادامه داده و با راهپیمایی اعتراضی به

سمت ساختمان اداری دانشگاه، از دیگر دانشجویان دعوت به حمایت و پیوستن به تجمع اعتراضی نموده و با شعار «قائل بیا بیرون» اعتراض خود را مقابل ساختمان اداری نشان دادند. یکی از دانشجویان با سخنرانی در جمع دانشجویان معترض بر ادامه و ایستادگی تا حصول مطالبات تأکید کرد که مورد حمایت دیگر تجمع کنندگان قرار گرفت. در ادامه اعتراض دانشجویان دانشگاه علوم تحقیقات، طهرانچی رییس دانشگاه هنگام خروج از دانشگاه با زنجیره انسانی دانشجویان برای جلوگیری و پاسخگویی مواجه شد و به جای پاسخگویی، توسط خودرو خود به همراه محافظ مسلح اش در يك اقدام وحشیانه و وقیحانه، از روی دانشجویان عبور و باعث صدمه دیدن دو دانشجو از ناحیه پا شد که البته با دنبال کردن تعدادی دانشجو و

فرار او از دانشگاه منجر شد. در ادامه حضور برخی مسئولین دانشگاه در بین جمعیت معترض با شعار «استعفا استعفا» مواجه گردید. در حین حضور منتظری در مقام داستان کل جمهوری اسلامی، واکنش اعتراضی دانشجویان بسیار چشمگیر بود. همچنین حضور فعالانه دانشجویان زن در صف مقدم اعتراض یکی از ویژگی های تجمع اعتراضی روز یکشنبه بود.

سازمان جوانان کمونیست اعلام میکند مسئول مستقیم این فاجعه جمهوری اسلامی است و این حکومت را به دلیل کشته شدن ده دانشجو و مصدوم شدن ده ها دانشجوی دیگر محکوم میکند. این حکومت نفسش با شماره افتاده است. باید در دانشگاه های مختلف از اعتراض و حق خواهی دانشجویان دانشگاه آزاد علوم تحقیقات حمایت

و پشتیبانی کرد. در همین راستا ما دانشجویان سراسر کشور را به تشکیل شوراها و دانشجویی مستقل از دولت و برگزاری تجمعات اعتراضی و اعتصاب سراسری در دانشگاهها فرامیخوانیم تا همگام و همبسته با سایر اعتراضات و اعتصابات جاری در جامعه هرچه وسیعتر و اعتراضی تر بر این حکومت فقر و ستم و سرکوب و بی حقوقی فائق آئیم. ما از همه دانشجویان در تهران و سراسر کشور و مردم منطقه دعوت به پیوستن به صف اعتراضی دانشجویان می نمائیم و قویا اعلام می کنیم جمهوری اسلامی و باندها و نهادهای زیر مجموعه اش، مسئول مستقیم کشته شدن دانشجویان و وقایع اینچنینی هستند. باید به این حکومت و دولتش با تمام قوا اعتراض کرد و خواست تأمین

امنیت حمل و نقل دانشجویان، دانش آموزان، نوجوانان، کودکان و همه شهروندان را به يك خواست فوری و همگانی تبدیل کرد. در این بین دانشجویان قطعاً می توانند نقش موثری داشته باشند و لازم است با تشکیل شوراها و سازماندهی تجمعات اعتراضی منسجم تر و متشکل تر به مسبب این فاجعه، در دانشگاههای سراسر کشور اعتراض کنند و خواست فوری تضمین امنیت جانی همه دانشجویان و شهروندان را در تجمعات خود اعلام کنند.

جمهوری اسلامی سرنگون سرنگون
امنیت، سلامت حق مسلم ماست
زنده باد آزادی، برابری، زنده باد
سوسیالیسم

سازمان جوانان کمونیست
۹ دی ۱۳۹۷
۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

تشکیل جلسه ای با حضور مسئولان استانداری و نمایندگان از کارگران، قرار بر این شد که تا هفته دیگر به خواست آنها رسیدگی شود. در نتیجه کارگران موقتاً به تجمع خود خاتمه دادند و اعلام کردند که اگر پاسخی نگیرند دوباره برمیگردند. کارگران قاطعانه اعلام کرده اند که خواست آنها بازگشت به کار و مشخص شدن وضعیت مطالباتشان است.

پیش بسوی تشکیل شوراها
پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ دی ۹۷ - ۳ ژانویه ۲۰۱۹

بعلاوه این وضعیت بهانه ای برای کاهش پرداختهای کارگران شاغل در کارخانه شده است و با توجه به افزایش روزافزون قیمت ها فشار اقتصادی سنگینی بر دوش آنان وارد شده است. اعتراض کارگران ادامه دارد.

تجمع کارگران کاوش قزوین با وعده استانداری خاتمه یافت

روز ۱۱ دی ۸۰ کارگر شرکت مخازن تحت فشار «کاوش» (سانکا) در اعتراض به اخراجها در مقابل استانداری تجمع کردند. زیر فشار اعتراض کارگران و بدنبال

اخباری از اعتراضات گسترده کارگری

و لیبیات وارنا

روز چهارشنبه ۱۲ دی ۹۷ کارگران شیر و لیبیات وارنا در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات آنان بعد از یکسال، مقابل دادگستری ورامین تجمع کردند.

تجمعات اعتراضی کارگران خدماتی نیشابور و همسرانشان

روز ۱۱ دیماه کارگران خدماتی ناحیه دو شهرداری نیشابور در ادامه اعتراضاتشان به پیمانی شدن قراردادهايشان، طی اقدامی جالب به همراه همسرانشان به صورت جداگانه در نقاط مختلف شهر تجمع کردند و با مردم در مورد مشکلاتشان بحث و گفتگو کردند. بنا بر خبرها در تجمع نخست، همسران کارگران خدماتی منطقه دو شهرداری نیشابور مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. در این تجمعات کارگران و همسرانشان از شرایط دشوار کاری، از سالها کار شبانه روز در شهرداری و نداشتن هیچگونه امنیت شغلی و از شرایط سخت معیشتشان برای مردم سخن

اعلام همبستگی کارکنان بیمارستان امام خمینی با کارگران

روز ۱۲ دیماه دهها نفر از کارکنان بیمارستان «امام خمینی» کرج برای پیگیری احیای این مرکز درمانی و طلبهایشان در مقابل سازمان خصوصی سازی کشور تجمع کردند. در رابطه با این موضوعات کارکنان این بیمارستان تجمعات بسیاری بر پا کرده اند و زیر فشار همین اعتراضات اخیراً حدود ۴ ماه پایه حقوق آنان پرداخت شد. اما هنوز هفت تا هشت ماه حقوق طلب دارند. لازم به یادآوریست که این بیمارستان به فروش گذاشته شده و کارکنان آن خواستار راه اندازی دوباره بیمارستان و بازگشت به کار و پرداخت فوری طلبهایشان هستند. در حرکت اعتراضی این روز کارکنان بیمارستان امام خمینی طی اقدامی جالب همبستگی خود را با کارگران فولاد اهواز، نیشکر هفت تپه، هپکو و آق دره اعلام کردند.

تجمع اعتراضی کارگران شیر



KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس تلویزیون کانال جدید
ماهواره یاه ست
فرکانس : 11766
پولاریزاسیون : عمودی
سیمبل ریت : 27500
اف ای سی : 5/6

تجمع کارگران آگروز خودرو در اعتراض به وضعیت کارخانه

روز ۱۱ دی جمعی از کارگران کارخانه «آگروز خودرو» خراسان در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی خود و ناروشتی وضعیت کارخانه دست از کار کشیده و در محوطه شرکت تجمع کردند. اخیراً ۲۰۰ تن از کارگران اخراج شده اند. این درحالیست که هم اکنون تولید این کارخانه بشدت کاهش یافته و سه شیفت کاری آن به يك شیفت تبدیل شده است و و بیکارسازی بیشتری در راه است.

پنجمین روز تجمع خانواده های کارگران فولاد اهواز برای آزادی کارگران بازداشتی

امروز نهم دیماه خانواده های کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز در اعتراض به ادامه بازداشتها مقابل استانداری تجمع کردند. در این تجمع در حالیکه عده ای با برهائی که رویش نوشته شده بود "جای کارگر زندان نیست"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، صدای اعتراضشان را بلند کردند، یکی از زنان شرکت کننده شعار الله اکبر سر داد و جمعی هم او را همراهی کردند. سردادن شعار الله اکبر، در مکانی چون گروه ملی فولاد اهواز، که در آن کارگران با شعارهایشان و با سخنرانی هایشان، کل بساط توحش سرمایه داری دزد سالار حاکم را به چالش کشیدند، هشدار دهنده و یک عقب گرد است. شعار الله اکبر شعار کارگران نیست. بلکه شعار حکومت اسلامی سرمایه داران است که خون کارگران را در شیشه کرده است. این شعار تنها حکومت اسلامی را تقویت میکند و سبیل تفرقه افکنی در صفوف اعتراض کارگران و صف همبستگی شورانگیز مردم با مبارزات این کارگران است. نباید اجازه دهیم که با چنین شعارهایی مبارزات کارگران رنگ مذهبی و حکومتی بگیرد و صفوف همبستگی مردم با این مبارزات تضعیف شود. هم اکنون هفت کارگر گروه ملی به اسامی بهزاد علیخانی؛ مصطفی عیبی؛ کریم سیاحی؛ کاظم حیدری؛ میثم علی قنوتی؛

طارق خلفی و غریب حویزروی در بازداشت بسر میبرند. حکومت اسلامی در بیست و ششم آذر ماه در سی و هشتمین روز اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد اهواز در یورش شبانه تعداد ۴۲ نفر از آنان را بازداشت کرد و در این مدت زیر فشار اعتراضات کارگران، خانواده های بازداشت شدگان و همبستگی های وسیع اجتماعی و بین المللی تعدادی آزاد شده اند. اما هنوز هفت نفر از کارگران در بازداشت بسر میبرند. کارگران گروه ملی فولاد اهواز خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط هفت کارگر بازداشتی هستند.

کارگران فولاد اهواز امروز طی اطلاعیه ای اعتراض خود را به ادامه بازداشتها و سردواندن آنها با وعده و وعید اعلام کردند. این کارگران در اطلاعیه خود با اشاره به اینکه چگونه چپاولگران مافیایی با استفاده از همه توان و ابزار تلاش کردند اعتراضات کارگران را عقب بزنند، بطور مشخص کسری غفوری مدیر عامل شرکت و حسینی پویا دادستان اهواز را به عنوان کسانی که مستقیماً در سرکوب کارگران و بازداشتها دخیل هستند، نام برده و موکدا هشدار دادند که بیش از این صبر نخواهند کرد و اگر به سرعت نسبت به آزادی کارگران بازداشتی اقدامی نشود، وارد عمل خواهند شد.

علاوه بر خواست آزادی هفت کارگر بازداشتی، بساط چپاول و دزدی در این کارخانه که تولید بخش های مختلف آن را به تعطیلی کشانده و کار و زندگی چهار هزار کارگر را به خطر انداخته است، یک موضوع مهم اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز است. در همین راستا این کارگران به عدم پرداخت بوقع دستمزدها و فشار سنگین گرانی بر زندگی و معیشتشان اعتراض دارند. یک نقطه قدرت مبارزات این کارگران اتکاء بر تصمیم گیری های جمعی شان در مجمع عمومی منظم بوده است که هر هفته تشکیل داده اند. گروه ملی فولاد اهواز همچون نیشکر هفت تپه یک سنگر مهم جنبش کارگری و کل جامعه است و تا هم اکنون با پشتیبانی وسیعی در سطح جامعه و در سطح جهان روبرو شده است. تمامی کارگران بازداشتی گروه ملی فولاد اهواز باید فوراً آزاد شوند. پرونده های امنیتی تشکیل شده برای کارگران دستگیر شده گروه ملی باید بسته شود.

پیش بسوی اعتصابات
سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۹ دی ۱۳۹۷،
۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

نیستی از حمایت ها از کارگران گروه ملی فولاد اهواز:
- اعلام همبستگی مهلی یراحی

(خواننده موسیقی پاپ ایرانی و عربی)، با پوشیدن لباس کار کارگران گروه ملی و رفتن بر روی صحنه در ششم دیماه - حمایت نشست روز هشتم دیماه اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد از کارگران زندانی "فولاد ملی اهواز، سندیکای نیشکر هفت تپه و معلمان زندانی اعلام داشتند.

- اعلام همبستگی معلمان شاغل و بازنشسته در تجمع روز ششم دیماه در اصفهان

- حمایت بازنشستگان در تجمع اعتراضی سه هزار نفره خود در روز ۲۷ آذر در تهران

- حمایت بازنشستگان در تجمعات کرمانشاه، اصفهان، ابر، گیلان با شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد

۲۸ و ۲۹ آذر
- پیام حمایتی اتحادیه هماهنگ کننده رانندگان سراسر کشور مشتمل از ۲۶ انجمن و سندیکا،

- پیام همبستگی کارگران نیشکر هفت تپه،

- گروه نغزگران متحد خوزستان - رانندگان کامیون غرب کشور - دانشجویان دانشگاههای خوزستان،

- گروههایی از رانندگان و کامیونداران خوزستان، کرمان، مشهد، قم، گیلان، استان یزد با کلیههایی حمایت خود را از کارگران فولاد اهواز و نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند

- ادمین ها و اعضای گروه

فرهنگیان و معلمین خوزستان،
- گروه تلگرامی "حمایت از معلمین دربند"،

- ابرگروه دانشجویان ایران - رانندگان کامیون کرمان،

- سندیکای شرکت واحد، اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه،

کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، گروه اتحاد بازنشستگان،

- پیام حمایت تعدادی از دانشجویان،

- تجمع اعتراضی حمایتی کارگران آیین فولاد (۲۷ آذر)

- بیانیه حمایتی تعدادی از دانشجویان کرمان

- جمعی از کارگران در شهر رشت با ارسال پیام حمایتی در مدیای اجتماعی

- اعلام حمایت رانندگان استان اردبیل از کارگران فولاد اهواز

- کنگره اتحادیه های کارگری انگلستان (TUC)

- نامه حمایتی والتر سانچز، دبیرکل کنفدراسیون جهانی سندیکایی ایندستریرال، (در بر گیرنده ۵۰ میلیون عضو در صنایع معدن، انرژی و تولید در بیش از ۱۴۰ کشور)

- کمپین برای آزادی کارگران زندانی (Free Them Now) - کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی - کمپین آزادی کارگران فولاد

اعتراضات کشاورزان و رزنه و خراسگان اصفهان ادامه دارد!

روز هشتم دیماه کشاورزان و رزنه و خراسگان در استان اصفهان در ادامه اعتراضات روزهای گذشته خود در خیابانهای رزنه دست به راهپیمایی زدند. کشاورزان در این اعتراضات که وارد هشتمین روز خود شده است علیه عدم دریافت حق آبه خشم و نارضایتی خود را فریاد زدند و اعلام کردند "می ایستیم، می جنگیم، حقمون را می گیریم!" هزاران کشاورز در این منطقه بدلیل انحراف آب زاینده رود و

خشک شدن آن با معضل بی آبی و نابودی محصولات کشاورزی شان روبرو هستند. گفته میشود که یکی از دلایل اصلی کمبود آب ایجاد تونلهایی مثل "تونل گلاب آب" بر رود زاینده رود و هدایت آب به سمت باغها و مزارع خواص حکومتی و مصارف صنعتی و نیز سد سازیهای سپاه برای مصارف غیر کشاورزی است. بعلاوه حق آبه کشاورزان نیز پرداخت نمیشود و همه این عوامل باعث نابودی محصولات

کشاورزان و از بین رفتن تنها ممر در آمد این بخش از مردم شده است.

دور جدید اعتراضات کشاورزان این منطقه از دوم دیماه شروع شده است. در اعتراض به این وضعیت کشاورزان و رزنه دست به تجمع زدند و با شعارهای "تنگ ما تنگ ما دولت... ما... می ایستیم می میریم حقمون رو میگیریم"، "می ایستیم می جنگیم حقابه را میگیریم"، "درد بر کشاورز مرگ بر ستمگر" صدای

اعتراضشان را بلند کردند. در روز چهارم دیماه کشاورزان در دروازه عباس و رزنه دست به راهپیمایی زدند و با شعار مردم زحمتکش، حمایت حمایت، مردم را به همبستگی با اعتراض و خواستههایشان فرا خواندند. حضور زنان در این راهپیمایی چشمگیر بود.

هزاران کشاورز این منطقه با از بین رفتن کشاورزی شان با فقر دست و پنجه نرم میکنند و بارها به این وضعیت اعتراض کرده اند و

جز وعده های توخالی چیزی نصیبشان نشده است. تامین زندگی تک تک مردم وظیفه حکومت است. جمهوری اسلامی موظف است زندگی کشاورزان را که کشاورزی شان به نابودی کشیده شده و منبع در آمد قابل اتکایی ندارند با استاندارد قابل قبولی تامین کند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ دیماه ۱۳۹۷، ۲۹ دسامبر
۲۰۱۸

فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری و اعتراضات معلمان

کارگران فولاد اهواز خواستار آزادی بدون قید و شرط همکاران بازداشتی خود هستند

فراخوان دوباره بازنشستگان به تجمع در مقابل مجلس اسلامی

بازنشستگان بار دیگر برای پیگیری خواسته‌هایشان برای ساعت ده صبح روز ۱۲ دیماه به تجمع در مقابل مجلس اسلامی فراخوان داده اند. يك اعتراض آنان عدم تخصیص بودجه به بازنشستگان و زندگی و رفاه آنان است. بازنشستگان همچنین خواهان همترازی حقوق خود با شاغلین بر اساس قانون مدیریت خدمات کشوری هستند. تجمعات قبلی آنان در بیست و هفت آذر ماه در تهران و بدنبال آن در چند شهر دیگر از جمله مشهد، ابهر، تبریز، کرمانشاه با شرکت شمار زیادی از بازنشستگان برگزار شد. شعارهای بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از "حقوق ما ریالی، هزینه‌ها دلاری"، "فریاد فریاد از این همه بیداد"، "بیمه رایگان حق مسلم ماست"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "اگر ماها نبودیم، تو اون بالا نبودی"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "تحصیل رایگان حق مسلم فرزندان ماست"، "دولت خیانت می کند؛ مجلس حمایت میکند"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست"،

علیه دستگیری ها ...

از صفحه ۱۰

جوانرودو ... تجربه کرده اند. حکومت اسلامی تنفر عمیق و ناراضیتی توده‌ای مردم کردستان را طی ۴ دهه گذشته تجربه کرده است. حکومت اسلامی از ترس فریاشی و جارو کردن نیروهای امنیتی و اداری اش توسط مردم کردستان، دست به میلیتاریزم و امنیتی کردن فضای سیاسی - اعتراضی مردم زده است. امنیتی کردن شهرها و دستگیری های اخیر نشانه ترس حکومت جنایتکار اسلامی از شما مردم مبارز و انقلابی است. با همفکری با اتخاذ اقدامات عملی فضای امنیتی نیروهای مزدور حکومت

"معلم. کارگر. اتحاد، اتحاد"، "کارگران فولاد آزاد باید گردند"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "از اهواز تا تهران، زحمتکشان در زندان" و "بترسید، بترسید، ما همه با هم هستیم". شعارهای اعتراضی بازنشستگان خواسته‌های آنها را بروشنی بیان میکند و در عین حال همسرنوشتی طبقاتی همه کارگران و معلمان و کارکنان محروم جامعه را بازتاب میدهد.

کارزار نه به بیمه تکمیلی معلمان

معلمان شاغل و بازنشسته در اعتراض به "بیمه تکمیلی" ناکارآمد کارزاری به راه انداخته اند که تا کنون بیش از ده هزار و سیصد نفر طومار آنرا امضاء کرده اند. "بیمه کارآمد، درمان رایگان است" یک شعار اعتراضی معلمان در تجمعات اعتراضات چند ساله شان است. معلمان خواستار بیمه رایگان برای همه و تحصیل رایگان برای تمام کودکان هستند.

سومین روز بازداشت و اعتصاب غذای حمید رحمتی معلم

روز ۸ دی حمید رحمتی از معلمان اصفهان بازداشت شد. نیروهای انتظامی قصد بازداشت

اسلامی را میتوان و باید خنثی کرد. در محلات امکان برپایی اعتراض و تجمع را سازماندهی کنید. محلات را به کانون های اعتراض و تجمع تبدیل نمایید.

مردم کردستان، تجارب با ارزش و قابل اتکایی در مبارزه علیه حکومت اسلامی دارند. شما تظاهرات و اعتراضات کوبنده با شرکت چند هزار نفر را تجربه و به نمایش گذاشته اید، مردم با قدرت تمام و تمام قد علیه حاکمان اسلامی ایستادند. با اتحاد و همفکری و با اتکا به تجارب مبارزاتی میتوانید فضای امنیتی حکومت اسلامی را خنثی کنید!

با برپایی تجمع و راه پیمایی نباید اجازه داد دستگیری ها ادامه

او را در روز ششم دیماه در جریان تجمع معلمان شاغل و بازنشسته در اصفهان را داشتند که در آن روز موفق نشده بودند. او در روز نهم دیماه به قصد تحصن در اعتراض به حمله نیروی انتظامی به تجمع اعتراضی معلمان شاغل و بازنشسته در ششم دیماه و دستگیری چند نفر از همکارانش به آموزش و پرورش این شهر رفت و خود را به ماورین نیروی انتظامی معرفی کرد. اما همانجا به اتهام اخلاف در نظم بازداشت کردند و برای آزادی خواهان ۴۰ میلیون وثیقه شدند. در اعتراض به این دستگیری و این نوع باجگیری او دست به اعتصاب غذا زد. اکنون کارزاری در اعتراض به بازداشت وی و طلب وثیقه برای آزادی اش به راه افتاده است. از این کارزار باید وسیعا حمایت کرد. تعرضات حکومت به بهانه های مختلف به شهروندان و باجگیری و اخاذی از آنها تحت نام وثیقه باید متوقف شود.

پیش بسوی تشکیل شوراها
پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ دی ۹۷ - ۱ ژانویه ۲۰۱۹

داشته باشد و خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان شوید.

کمیته کردستان حزب کمونیست
کارگری ایران
۱۱ دی ۱۳۹۷
۱ ژانویه ۲۰۱۹

صبح روز یازده دیماه جمعی از کارگران گروه ملی فولاد اهواز با تجمع در مقابل مدیریت شرکت، خواهان آزادی همکاران زندانی خود شدند. در این روز افرادی از جانب مدیریت در تجمع کارگران معترض شرکت کردند و با گستاخی اعلام کردند که این تجمعات باعث تلوام بیشتر حبس کارگران بازداشتی خواهد بود و کوشیدند از تجمع کارگران جلوگیری کنند. اما صد نفر از کارگران به همراه تعدادی از خانواده های هفت کارگر بازداشتی به مقابل دفتر مدیریت شرکت رفتند و خواستار آزادی کارگران بازداشتی شدند.

بنا بر خبر منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این تجمع رئیس حراست تازه منصوب شده شرکت که از کادراهی ارشد سپاه می باشد در محل حاضر شد و با تهدید به بازداشت کارگران توسط نیروهای امنیتی از آنان خواست به تجمع خود پایان دهند. ولی علیرغم این تهدیدات جمعهایی از کارگران به همراه جمعی از خانواده کارگران بازداشتی حاضر به ترك محل نشدند. سرانجام قائم مقام مدیر عامل شرکت ناکزیر به حضور در میان تجمع کنندگان شد و با گفتن اینکه امروز با دادستان اهواز جلسه ای خواهد داشت، اعلام کرد که در جهت آزادی کارگران زندانی اقدامات لازم را انجام خواهد داد.

از سوی دیگر گزارشات حاکی است که با راه اندازی تولید در دو خط تولیدی شرکت، شامل

خط ۶۳۰ تیر آهن و خط لوله سازی، مقامات و کادراهی سپاه حضور چشمگیری در کارخانه پیدا کرده و زمزمه واکناری گروه ملی صنعتی فولاد اهواز به "قرارگاه خاتم الانبیا" قوت گرفته است. بعلاوه نیروهای امنیتی در محل شرکت حضور چشمگیری دارند و فضای کارخانه بشدت امنیتی شده است. يك موضوع اعتراض کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراضات قدرتمند سی و هشت روزه شان، مخالفت با واکناری شرکت به قرار گاه خاتم الانبیا بوده است. این کارگران خواستار راه اندازی تولید کارخانه و جلوگیری از تعطیلی آن و بیکارسازی ها هستند. اعتراض این کارگران به بساط دزدسالاری حاکم بر کارخانه و به خطر افتادن کار و معیشتشان است. کارگران گروه ملی فولاد اهواز در اعتراضاتشان بطور واقعی کل بساط دزدسالار حاکم را به چالش کشیده اند و از همین رو يك همبستگی وسیع اجتماعی با مبارزات آنان در سطح جامعه و در جهان شکل گرفت.

حزب کمونیست کارگری بر تقویت اتحاد کارگران از طریق اتکاء به مجمع عمومی شان و ادامه همبستگی ها با مبارزات و خواستههای کارگران گروه فولاد اهواز و برای آزادی بازداشت شدگان آن تاکید دارد.

پیش بسوی اعتصابات سراسری
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۱ دی ۱۳۹۷، ۱ ژانویه ۲۰۱۹



تقلای حکومت برای ایجاد شورای اسلامی در نیشکر هفت تپه به جایی نخواهد رسید زنده باد شوراهای واقعی کارگری!

روزها دور نهایی جنگ با حکومت درد و رنج و خفقان و چپاول و دزدی دارد شروع میشود. دور نهایی که البته با عزم جزم و گارد محکم حزب کمونیست کارگری ایران و رهبران آن همراه است.

اگر ما در کنفرانس برلین فریاد زدیم این حکومت اصلاح طلب و اصولگرا ندارد، اکنون مردم شعار آترا میدهند، اگر گفتیم این حکومت دون شان بشر است و باید برود، اگر گفتیم آلترناتیو ساخته شده و اگر اکنون میگوییم حزب ما عزم دارد حکومت را بیاندازد و بجای آن حکومت انسانی برپا کند، همه اینها رژیم را به تنگنا انداخته است و نویسندگان معلوم الحال سایت رژیم را به تکاپو انداخته دروغ سرهم بندی کنند، تا تکه نانی خونین بسویشان پرتاب شود.

با همین نوشته آکام نیز هم باز عیان تر شد که حزب کمونیست کارگری ایران خار چشم حکومت اسلامی است و نه فقط با تهدید به قتل رهبران آن بلکه با آرزوی به اختلاف کشاندن آنها روز را به شب میرسانند. خامنه ای و روحانی و بقیه سران حکومت اسلامی بهتر است بدانند که تشبثاتی از این نوع دیگر کارساز نیست. حکومت غارت و چپاول و قتل و کشتار اسلامی رفتنی است و حزب ما در ساختن این سرنوشت برای حکومت اسلامی و در دفن کردن این حکومت نقشی جدی دارد و اینرا حکومتی ها در آینده ای نزدیک، بیش از پیش تجربه خواهند کرد.

مینا احدی سخنگوی حزب
کمونیست کارگری ایران
۲ ژانویه ۲۰۱۹

روز ۲۸ دسامبر سایت آکام نیز سایت وزارت اطلاعات حکومت اسلامی ایران در يك مطلب با عنوان "زهمزه های اختلافات جدی رهبران کمونیست کارگری به گوش می رسد، مینا احدی پلنوم را تحریم کرد" منتشر کرد که لازم میدانم به آن پاسخ بدهم.

آکام نیز سائیتی است که احزاب اپوزیسیون حکومت اسلامی را رصد میکند. در مطلب مزبور با سرهم بندی کردن اطلاعاتی غلط از نحوه کار حزب ما و جایگاه پلنوم و غیره، آرزوی قلبی سران حکومتی را نیز به عنوان خبر به خورد ۱۵۲ نفر بازدید کننده سایت اش میدهد.

در اینکه الان حکومت اسلامی به بن بست کامل رسیده نویسندگان همین سایت کذابی نیز حتما واقف هستند. کیست که نداند جامعه ایران کاملاً چپ است، که رهبر کارگری فراخوان تشکیل شورا میدهد و سران حکومت وحشت زده از نفوذ کمونیسم کارگری و رشد شعارها و خواسته های این نوع چپ در بین توده میلیونی مردم حرف میزنند. نکته اصلی اینست که این حزب و رهبران فعلی و یا قبلی این حزب، با کاری هرکولی و چند ده ساله، جامعه ایران را قدم به قدم همراهی کرده و به اینجا کشیده اند، به جایی که نه به استعمار شعار بزرگ راهپیمایی کارگران آنست، نه به حقوقهای نجومی و فلاکت عمومی شعار کارگران و معلمین و بازنشستگان است و در گوشه گوشه این مملکت مردم خشمگین با شعار معیشت و منزلت حق مسلم ما است و برای تحقق آزادی و برابری و رفاه پیا خاسته اند.

حکومتی ها از سالگرد حرکت بزرگ مردم در دی ماه وحشت دارند. و میدانند که این ماهها و این

از همبستگی با مبارزه شما در سراسر کشور و در سطح بین المللی به راه افتاد، اکنون هم قادرید توطئه جدید حکومت را در نطفه خفه کنید. اعتصابات کارگری در سراسر کشور در حال گسترش است، مردم از هر طرف دست به اعتراض میزنند و حکومت توان مقابله با گسترش مبارزات مردم را ندارد. شما تجارب عظیمی در مبارزات خود اندوخته اید، خانواده های شما نیز قاطعانه در تجمعات شما شرکت کردند و به نیروی قابل اتکایی در مقابله با مفتخوران حاکم تبدیل شدند. نیروی خود را دست کم نگیرید و با اتکا به این دستاوردها اقدام حکومت برای ایجاد شورای اسلامی را تماما در هم شکنید. مجمع نمایندگان خود را بیش از پیش تقویت کنید و متحد و یکپارچه و با عزمی راسخ، خود را برای دور دیگری از اعتصاب و اعتراض برای به کرسی نشاندن کلیه خواست های خود از جمله لغو هرنوع اتهامی علیه نمایندگان آماده سازید. میلیون ها نفر پشتیبان شما هستند و رهبران شما در قلب مردم جا گرفته اند. حزب کمونیست کارگری نیز همراه شما است. دشمنان را خود را تماما ناکام بگذارید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ دیماه ۱۳۹۷،
۲۹ دسامبر ۲۰۱۸

انتقام است. تصور میکند میتواند فکر شورای واقعی کارگری و مجمع نمایندگان را از سر کارگران دور کند، عزم و اراده کارگران را در هم شکنند و شورای اسلامی ضد کارگری خود را در این مرکز هوا کند. تصور میکند حتی اگر به هر قیمت این نهاد ضد کارگری را بصورت نمایشی هم سر هم بندی کند و آترا در بوق کند میتواند اعلام پیروزی کند، گفتن شورایی در جامعه را عقب براند، دستاوردهای سیاسی بزرگ هفت تپه را از اذهان میلیون ها کارگر و انسان آزادیخواه پاک کند و جنبش کارگری و جنبش سرنگونی را عقب براند. حکومتی که علیرغم دستگیری رهبران کارگران هفت تپه و تلاش برای پرونده سازی علیه آنها، مجبور شد آنها را آزاد کند و اعلام کند که ۱۵ کارگر آزاد شده رفع اتهام شده اند و عملاً پس از چهار سال بپذیرد که اعتصاب و تجمع غیر قانونی نیست، تصور میکند میتواند اوضاع را به نفع خود عوض کند.

کارگران مبارز هفت تپه

شما در طول ۲۸ روز اعتصاب شکوهمند خود نمونه ای از يك مبارزه سازمان یافته و قدرتمند را به کمک رهبران جسور خود، رهبرانی مانند اسماعیل بخشی، به پیش بردید. توطئه های ارگان های مختلف حکومت را خنثی کردید، شهر را به حرکت درآوردید، موجی

جمهوری اسلامی در تلاش است با تهدید و ارباب کارگران نیشکر هفت تپه، آنها را پای به اصطلاح انتخابات برای ایجاد شورای اسلامی بکشاند. با تهدید تعدادی را وادار کرده اند کاندید شوند اما علیرغم همه فشارها اولاً تعداد قابل توجهی کاندید نشده اند و ثانیاً همین کاندیدها نیز اکثراً از کاندیداتوری انصراف داده اند و توده کارگرنی که نمایندگان واقعی خود را از مدتی قبل انتخاب کرده و قدم های بزرگی بطرف ایجاد شورای واقعی کارگری برداشتنند، به این اقدام کثیف حکومت تمکین نخواهند کرد. تلاش حکومت و خانه کارگر کثیفش و دادستان و رئیس اطلاعات جنایتکارش باید خنثی شود و خنثی خواهد شد.

مبارزه قدرتمند و طولانی مدت کارگران نیشکر هفت تپه که مردم شوش را به حرکت درآورد و همبستگی عظیمی در جامعه ایجاد کرد، اعتصاب و تظاهرات هایی که در سراسر کشور منعکس شد و گفتن اداره شورایی را توده ای کرد، توسط شورای کارگران و مجمع نمایندگان کارگران هدایت شد. رهبران سرسختی جلو صف کارگران قرار گرفتند و با سخنرانی های پرشور خود روحیه مبارزاتی را تقویت کردند، اتحاد مستحکمی میان کارگران ایجاد کردند و جنبش کارگری و جنبش آزادیخواهی مردم ایران را گامی بزرگ به پیش بردند. جمهوری اسلامی اکنون در حال

در محکومیت دسیسه های تروریستی علیه نیروهای اپوزیسیون

افشا شده است. جزئیات و دقایق این ماجرا هنوز روشن نیست اما ما وظیفه خود میدانیم که چنین دسیسه ها و توطئه هائی را در هر سطح و از جانب هر کس صورت گرفته باشد شدیداً محکوم کنیم. اقدام تروریستی علیه نیروهای مخالف جمهوری

حزب کمونیست کارگری ایران
۷ دیماه ۱۳۹۷،
۲۸ دسامبر ۲۰۱۸

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، اخیراً طرح ترور رفیق رحمان حسین زاده و تعداد دیگری از رهبران این حزب بوسیله سازمان زحمتکشان کردستان، که يك سازمان ناسیونالیستی افراطی و بی پرستی است، در سال ۲۰۰۵

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: خلیل کیوان

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود